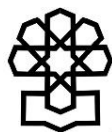


فروردین ۱۴۰۱
مسلسل: ۱۸۱۷۷

وضعیت موجود، ابعاد و چالش‌های بیمه زنان خانه‌دار

معاونت پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی
دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

کد موضوعی: ۲۷۰
شماره مسلسل: ۱۸۱۷۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: وضعیت موجود، ابعاد و چالش‌های بیمه زنان خانه‌دار

نام دفتر: مطالعات فرهنگ و آموزش

تهیه و تدوین: نگار کریم‌پور

همکار: ریحانه رحمانی‌پور

ناظران علمی: موسی بیات، کمیل قیدرلو

اظهار نظر کننده: وحید برسیاه

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. بیمه

۲. زنان

۳. خانه‌دار



تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱/۳۰

به نام خدا
فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه و بیان مسئله
۳	تعریف مفاهیم
۴	پیشینه سیاستی
۷	۱-۱. توصیف آماری
۷	۱-۱-۱. وضع فعالیت، وضعیت زناشویی زنان خانه‌دار و روند تغییرات
۹	۱-۱-۲. تفکیک زنان خانه‌دار براساس گروه‌های سنی
۱۱	۱-۱-۳. زنان خانه‌دار متأهل براساس تعداد فرزند و دهک درآمدی
۱۴	۱-۱-۴. زنان خانه‌دار براساس درآمد سالیانه خانوار
۱۵	۱-۱-۵. تعداد زنان خانه‌دار به تفکیک استانی
۱۶	۲-۱. وضعیت‌سنجی زنان خانه‌دار
۱۶	۱-۲-۱. وضعیت زنان خانه‌دار به لحاظ نگرشی
۲۵	۲-۲-۱. مشارکت اقتصادی زنان و نسبت آن با خانه‌داری
۲۶	۳-۲-۱. نگرش‌های موجود در زمینه خانه‌داری زنان
۲۷	۲. بیمه زنان خانه‌دار
۲۷	۲-۱. وضعیت موجود بیمه زنان خانه‌دار در حال حاضر
۳۰	۲-۲. جامعه هدف بیمه زنان خانه‌دار
۳۱	۲-۳. مقایسه بیمه‌شدگان زن سازمان تأمین اجتماعی
۳۳	۲-۴. زنان سرپرست خانوار خانه‌دار
۳۵	۲-۵. ارزشگذاری اقتصادی فعالیت‌های خانه‌داری زنان
۳۶	۲-۶. بیمه زنان خانه‌دار در سایر کشورها
۳۷	۳. بخش تحلیلی
۳۷	۳-۱. چالش‌های اجرایی بیمه زنان خانه‌دار
۳۸	۳-۱-۱. محدودیت منابع دولت و فقدان اختصاص بودجه و اعتبارات پایدار
۳۹	۳-۱-۲. بیمه زنان خانه‌دار و نسبت آن با بیمه فراگیر
۴۰	۳-۱-۴. عدم اجماع در برنامه‌ریزی و رویه‌ها
۴۰	۳-۱-۵. چالش‌های نظری و نخبگانی
۴۱	۳-۱-۶. تأکید صرف بر حمایت بیمه‌ای
۴۱	۳-۱-۷. عدم حمایت زنان (اولویت مردان)
۴۱	۳-۱-۸. اتکا به درآمد خانوار و فاقد درآمد بودن زنان خانه‌دار
۴۲	۳-۲. اهداف بیمه زنان خانه‌دار
۴۲	۳-۲-۱. دیدگاه نخبگان درخصوص هدف بیمه زنان خانه‌دار
۴۷	جمع‌بندی
۴۹	منابع و مآخذ



وضعیت موجود، ابعاد و چالش‌های بیمه زنان خانه‌دار

چکیده

با توجه به اهمیت جایگاه خانواده در حفظ و انسجام اجتماعی تأکیدات فراوانی در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تحکیم و تعالی این نهاد مهم بیان شده است. از طرفی، با توجه به اهمیت نقش زنان در حفظ و تعالی جامعه و نهاد خانواده توجه به مطالبات آنان ضروری به نظر می‌رسد. زنان خانه‌دار حدود ۶۲ درصد از جمعیت زنان (به‌طور کلی) و حدود ۸۰ درصد از جمعیت زنان متأهل را تشکیل می‌دهند. قطعاً چنین جامعه آماری وسیعی برنامه‌ریزی‌های جزئی ناظر به ابعاد مختلف را می‌طلبد.

ایده بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار یکی از برنامه‌هایی است که مبتنی بر مطالبات زنان در زمینه حمایت‌های اجتماعی مطرح شده و بیش از ۲۰ سال از اولین اقدامات در این راستا می‌گذرد. با این حال از سال ۱۳۷۸ تاکنون این حمایت با توفیق چندانی روبه‌رو نبوده و زنان خانه‌دار تنها در قالب بیمه حرف و مشاغل آزاد با حداقل حمایت دولت می‌توانند از خدمات بیمه‌ای برخوردار شوند.

تفکیک زنان خانه‌دار براساس گروه‌های سنی نیز نشان می‌دهد که بیشترین تعداد زنان خانه‌دار شهری و روستایی در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال قرار دارند و حدود ۶ درصد از زنان خانه‌دار اعلام شده از سوی مرکز آمار را «افراد هرگز ازدواج نکرده» تشکیل می‌دهند.

از آنجایی که بار مالی حمایت از حدود بیست و یک میلیون زن خانه‌دار برای دولت بسیار قابل توجه به نظر می‌رسد و نمی‌توان نگاه آرمانی و غیرواقع‌گرایانه در زمینه حمایت حداکثری دولت از زنان خانه‌دار داشت، بر این اساس می‌توان تفکیک و اولویت‌گذاری بر مبنای سن بیمه‌پردازی، مجرد یا تأهل، دهک خانوار و مواردی از این دست در تصمیم‌گیری یادشده را وارد کرد. سن بیمه‌پردازی زنان خانه‌دار در حال حاضر بین ۱۸ تا ۵۰ سال در نظر گرفته می‌شود و بنابر سرشماری سال ۱۳۹۵ کل کشور در گروه سنی ۵۴-۲۰ سال زنان خانه‌دار شهری دارای همسر حدود ۱۰ میلیون^۱ بوده و یک میلیون زن خانه‌دار شهری بدون همسر هستند. اولویت‌گذاری می‌تواند هریک از این ملاحظات را لحاظ نماید.

استدلال مدافعان بیمه زنان خانه‌دار بیشتر حول حمایت از مادری بیان می‌شود؛ لذا لحاظ نمودن تعداد فرزندان در این تصمیمات و اولویت‌دهی براساس آن نیز ضروری خواهد بود. از سویی بنابر قانون برنامه ششم توسعه دولت مکلف به بیمه نمودن زنان خانه‌دار با حداقل سه فرزند شده است. از حدود ۱۱ میلیون زن خانه‌دار شهری بازه سنی ۲۰ تا ۵۴ سال، ۵۶ درصد حداکثر دو فرزند و حدود ۳۹ درصد حداقل

سه فرزند دارند. بنابر ماده (۲۱) قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»، زنان خانه‌دار روستایی دارای سه فرزند و بیشتر ذیل صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر تحت پوشش بیمه قرار خواهند گرفت. بر این اساس برای بخشی از جامعه هدف ما در قانون فوق تدابیری دیده شده است.

البته در زمینه کار کردن زن بیرون از منزل تغییر نگرشی وسیعی رخ داده و از سال ۱۳۵۳ تاکنون حدود ۴۹ درصد تغییر نگرشی در جهت کاهش مخالفت وجود دارد و در سال‌های گذشته از مخالفت‌ها با کار کردن زنان بیرون از منزل کاسته شده است. با این حال نمی‌توان کتمان نمود که الگوی مرد نان‌آور - زن خانه‌دار همچنان به‌عنوان الگوی غالب در کشور ما و حتی جهان به‌شمار می‌آید.

مهم‌ترین چالش‌های اجرایی بیمه زنان خانه‌دار مواردی از جمله محدودیت منابع دولت و فقدان اختصاص بودجه و اعتبارات پایدار، عدم اجماع در برنامه‌ریزی و رویه‌ها، تأکید صرف بر مدل بیمه‌ای در حمایت از زنان خانه‌دار، اولویت قائل شدن برنامه‌ریزان بر حمایت دولت از سرپرستان خانوار و خصوصاً مردان فاقد بیمه اجتماعی در خانواده، فاقد درآمد بودن زنان خانه‌دار و مانند آن به‌شمار می‌آیند. به‌طور کلی تصمیم همه‌جانبه درخصوص بیمه زنان خانه‌دار با موانع بسیاری روبه‌رو است؛ بنابراین می‌توان با اولویت‌گذاری صحیح جامعه هدف را واقعی‌تر پیش‌بینی نمود و با توجه به امکانات واقعی دولت‌ها ملاحظات لازم را در نظر گرفت.

در این گزارش با استفاده از روش تحلیل ثانویه و مطالعه اسنادی علاوه بر توصیف وضعیت موجود و پرداختن به ابعاد بیمه زنان خانه‌دار، داده‌ها و آمارهای مهم مرتبط با آنان و نگرش‌سنجی‌ها را در این زمینه استخراج نموده و درنهایت با تحلیل دیدگاه صاحب‌نظران و کارشناسان این حوزه به جمع‌بندی پرداختیم.

مقدمه و بیان مسئله

نقش و جایگاه والای بانوان در نهاد خانواده به‌عنوان کانون رشد و تعالی انسان، همواره مورد توجه نظام جمهوری اسلامی بوده است، به‌طوری که قانون اساسی و سایر اسناد بالادستی نظام به‌انحای مختلف به این مهم پرداخته و مسائل آنان را مورد تأکید قرار داده‌اند. از جمله این تأکیدات می‌توان به اصل بیستم و بیست‌ویکم قانون اساسی، سیاست‌های کلی خانواده، سیاست‌های کلی جمعیت، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران و مواردی از این دست اشاره کرد.

تلاش در جهت تأمین امنیت اجتماعی و اقتصادی زنان و به حداقل رساندن دغدغه‌های امروز و فردای آنان از جمله اهدافی است که برنامه‌ریزی بیشتر سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران امر را می‌طلبد. بخش عمده‌ای از زنان به امر خانه‌داری می‌پردازند؛ با این حال این افراد با چالش‌هایی مواجه هستند و بایستی جهت تسهیل امور آنان تدابیری اندیشید.



سیاستگذاری رفاه و تأمین اجتماعی به عنوان مرکز سیاست های کشور در این حوزه عمل می کند و به دنبال ایجاد پیوند میان دو حوزه اجتماعی و اقتصادی به شکلی هماهنگ و در کنار یکدیگر است؛ بنابراین از حساسیت های ویژه ای در مراحل تدوین، تصویب و اجرا برخوردار خواهد بود.^۱ زمانی که خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه نیز وارد چنین تحلیلی شود، حساسیت ها دوجندان خواهد شد.

زنان خانه دار حدود ۶۲ درصد از جمعیت زنان ۱۰ ساله و بالاتر کشور را تشکیل می دهند.^۲ در دو دهه اخیر پیش بینی ارائه خدمات رفاهی و اجتماعی به آنان به لحاظ باز نشستگی، از کار افتادگی و حتی حمایت در دوران بارداری و پس از زایمان مورد توجه برنامه ریزان قرار گرفته است. از آنجایی که قوانین حوزه بیمه ای مبتنی بر بازار کار و اشتغال بوده، زنان خانه دار به عنوان جمعیت غیر فعال شناخته شده و تحت پوشش بیمه های مشاغل (دارای کارفرما) قرار نمی گیرند. بر مبنای تعریف مرکز آمار نیز خانه دار فردی است که شاغل، بیکار (جویای کار) و محصل نباشد.

در سال های اخیر نوعی از بیمه خویش فرما ذیل بیمه حرف و مشاغل آزاد برای زنان خانه دار تعریف شده است، با این حال سهم دولت در حمایت این نوع بیمه گذاری بسیار ناچیز بوده و به دلیل فاقد درآمد بودن زنان خانه دار، استقبال چندانی از این نوع خدمات صورت نگرفته است. بر همین اساس برنامه ریزی در زمینه ایجاد نظام حمایتی از زنان خانه دار و تعیین سازوکارهای آن ناظر به استحکام خانواده ضروری به نظر می رسد.

در این پژوهش به این سؤالات پاسخ داده می شود که اولاً؛ زنان خانه دار به لحاظ نگرشی در چه وضعیتی قرار دارند و مطلوبیت های آنان حول چه مسائلی است؟ ثانیاً؛ وضعیت موجود بیمه زنان خانه دار به چه صورت بوده، چالش ها و موانع اجرایی شدن آن چگونه است؟ علاوه بر این به برخی ابعاد دیگر حمایت از زنان خانه دار بالاخص بیمه اجتماعی پرداخته می شود.

تعریف مفاهیم

زنان خانه دار

بنابر تعریف مرکز آمار ایران خانه دار عبارت است از: فردی که شاغل، بیکار (جویای کار) و محصل به حساب نمی آید و بنابر اظهار پاسخگو در هفت روز پیش از مراجعه مأمور آمارگیری به خانه داری مشغول بوده است. خانه دار در آمارگیری جزء افراد غیر فعال منظور شده است. در سرشماری سال های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ تمامی زنانی که در هفت روز گذشته قبل از مراجعه مأمور آمارگیری شاغل یا بیکار نبوده و به خانه داری (در منزل خود) مشغول بوده اند، خانه دار منظور شده اند. در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، طرح آمارگیری از ویژگی های اشتغال و بیکاری خانوار سال های ۱۳۷۶

۱. رفاه اجتماعی در قوانین و اسناد بالادستی، سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۶.

۲. مرکز آمار ایران، سرشماری سال ۱۳۹۵.

لغات ۱۳۸۳ و همچنین طرح آمارگیری از نیروی کار سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ تمامی زنان و مردانی که در هفت روز گذشته شاغل، بیکار (جویای کار) و محصل نبوده و به خانه‌داری مشغول بوده‌اند، خانه‌دار منظور شده‌اند. در آمارگیری جمعیت سال ۱۳۷۰، تمامی زنان و مردانی که در هفت روز گذشته، شاغل، بیکار (جویای کار)، محصل و بازنشسته نبوده و به خانه‌داری مشغول بوده‌اند،^۱ خانه‌دار منظور شده‌اند.^۲ همچنین در تعریفی دیگر، «خانه‌داری را می‌توان مجموعه‌ای از فعالیت‌های پرداخت نشده‌ای دانست که توسط فرد برای اعضای خانواده انجام می‌گیرد به نحوی که اگر شرایط زندگی، درآمد، وضعیت بازار و آمادگی شخصی اجازه دهد و این خدمات به شخصی خارج از خانواده محول شود، فعالیت‌هایی در حد جانشینی برای کالاها و خدمات محسوب می‌شود».^۳

بیمه اجتماعی

بیمه‌ای است که خدمات بیمه بازنشستگی، از کارافتادگی و فوت را برای یک جامعه نسبتاً بزرگ ارائه می‌کند. بیمه اجتماعی برنامه‌ای است که با دریافت حق بیمه از کارگران و کارفرمایان شکل می‌گیرد و افراد تحت پوشش را در صورت تحقق شرایط و وقوع خطراتی مانند بیماری، بیکاری، سالمندی، از کارافتادگی و فوت حمایت می‌نماید. بیمه اجتماعی در ایران از طریق سازمان تأمین اجتماعی، سازمان بیمه خدمات درمانی و نیز صندوق‌های بازنشستگی اجرا می‌شود.^۴

پیشینه سیاستی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «بازیافتن وظیفه خطیر و پُراج مادری» در پرورش انسان‌های مکتبی را بیان می‌دارد که در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهند بود. بند دوم اصل بیست‌ویکم قانون اساسی نیز بر «حمایت از مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند» و «ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست» اشاره می‌نماید.

اصل بیست‌ونهم قانون اساسی به بیان حق برخورداری از تأمین اجتماعی پرداخته است. «برخورداری

۱. نکته‌ای که در تعریف زنان خانه‌دار بایستی مورد توجه قرار داد این است که زنان شاغل هم در ساعاتی از روز به امر خانه‌داری مشغول هستند و بنابر تأکید برخی از پژوهش‌ها حتی می‌توان تعداد زنان شاغل هم در میان زنان خانه‌دار احتساب نمود. اگرچه در این تحقیق هدف مطالعه، زنان خانه‌داری هستند که صرفاً به امر خانه‌داری مشغول بوده و فعالیت اقتصادی در بیرون یا خارج از منزل ندارند. از طرفی در تعریف زن خانه‌دار باید دقت کرد که خانه‌داری زن لزوماً به معنای انجام کار خانگی نیست و امور غیرمادی‌تر مانند همسری، مادری و مانند آن بیشتر مدنظر است.

۲. سالنامه آماری، ۱۳۹۷.

۳. طرح بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار، تدوین دبیرخانه ستاد ملی زن و خانواده، ۱۳۹۲.

۴. همان.



از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره حقی است همگانی و دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تأمین نماید».

سیاست‌های کلی خانواده

سیاست‌های کلی خانواده ابلاغی مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۳، در بند دوازدهم به حمایت از عزت و کرامت همسری، نقش مادری و خانه‌داری زنان، نقش پدری و اقتصادی مردان، مسئولیت تربیتی و معنوی زنان و مردان، توانمندسازی اعضای خانواده در مسئولیت‌پذیری، تعاملات خانوادگی و ایفای نقش و رسالت خود را بیان می‌نماید.

قانون برنامه ششم توسعه

بند «ب» ماده (۱۰۳) قانون برنامه ششم توسعه مقرر می‌دارد که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است در راستای سیاست‌های تحکیم خانواده ظرف ۶ ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون بررسی و طرح لازم برای «ایجاد بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار حداقل دارای سه فرزند» را فراهم و جهت تصمیم‌گیری قانونی ارائه نماید.

منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۳/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

این منشور در بخش حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی زنان به «حق برخورداری مادران از امنیت مادی و معنوی خصوصاً در ایام سالمندی و ازکارافتادگی» اشاره نموده است.

سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران

سیاست‌های اشتغال زنان در تاریخ ۱۳۷۱/۵/۲۶ در شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد تصویب قرار گرفت. ماده اول این سیاست به قداست مقام مادری و تربیت نسل آینده و مدیریت خانه اشاره می‌نماید و با تأکید بر اهمیت نقش زنان در فرایند رشد فرهنگی و توسعه اقتصادی بر «اهمیت در نظر گرفتن ارزش معنوی و مادی نقش زنان در خانواده و کار آنان در خانه» می‌پردازد.

ماده (۱۲) «ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای مادران خانه‌دار در محیط خانه» و در کنار فرزندان، بدون محدودیت وقت و با منظور کردن مزد در قبال کار و تسهیلات تعاونی را ضروری می‌داند.

راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی و اقتضائات راهبردی کشور (نقشه مهندسی فرهنگی کشور راهبرد کلان ۴: جلوگیری از کاهش نرخ باروری کل و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی، اقتضائات راهبردی کشور، مطالعات جمعیت‌شناختی و آمایش و پایش مستمر جمعیتی)

این سیاست در بخش راهبردهای ملی به تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن به‌ویژه فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به‌منظور ایفای هرچه کامل‌تر نقش مادری و همسری می‌پردازد. در بخش اقدامات ملی، «پوشش بیمه اجباری درمان رایگان مادر و کودک از ابتدای بارداری تا پایان دو سالگی کودک» برای کسانی که فاقد پوشش بیمه درمانی هستند و همچنین «احتساب خانه‌داری به‌عنوان شغل» و «کمک به بیمه بازنشستگی زنان متأهل خانه‌دار» با پرداخت بخشی از حق بیمه توسط دولت متناسب با درآمد خانواده ذکر شده است. در ادامه به برخی قوانین درخصوص حمایت‌های اجتماعی و مرتبط با این مسئله اشاره می‌شود:

– سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور

برخورداری از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مندی از محیط زیست مطلوب در این سند مورد تأکید قرار گرفته است.

– قانون ساختار نظام رفاه و تأمین اجتماعی

بنابر ماده (۳) این قانون، اهداف و وظایف بیمه‌ای به شرح زیر می‌باشند:

الف) گسترش نظام بیمه‌ای و تأمین سطح بیمه همگانی برای آحاد جامعه با اولویت دادن به بیمه‌های مبتنی بر بازار کار و اشتغال،

ب) ایجاد هماهنگی و انسجام بین بخش‌های مختلف بیمه‌های اجتماعی درمانی،

ج) اجرای طرح بیمه اجتماعی مزدبگیران،

د) تشکیل صندوق‌های بیمه‌ای مورد نیاز از قبیل بیمه حرف و مشاغل آزاد (خویش‌فرمایان و شاغل غیردائم)، بیمه روستاییان و عشایر، بیمه خاص زنان بیوه و سالخورده و خودسرپرست و بیمه خاص حمایت از کودکان و...

بنابر سیاست‌ها و قوانین یاد شده می‌توان گفت اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران بر گسترش نظام بیمه‌ای و تأمین سطح بیمه همگانی برای آحاد جامعه تأکید نموده است. از طرفی سایر سیاست‌ها به‌دلیل اهمیت نقش زنان در حفظ و استحکام خانواده و قابل توجه بودن تعداد زنان خانه‌دار، مسئله احتساب خانه‌داری به‌عنوان شغل و ارائه تسهیلات در راستای بازنشستگی زنان متأهل خانه‌دار را با عباراتی همچون، اهمیت در نظر گرفتن ارزش معنوی و مادی نقش زنان در خانواده و کار آنان در خانه



و ایجاد بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار حداقل دارای سه فرزند مورد توجه قرار داده است.

۱. بخش توصیفی

۱-۱. توصیف آماری

۱-۱-۱. وضع فعالیت، وضعیت زناشویی زنان خانه‌دار و روند تغییرات

براساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۵ کل کشور، حدود ۶۲ درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کل کشور را زنان خانه‌دار و حدود ۱۰ درصد را زنان شاغل تشکیل می‌دهند. نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ در جدول ذیل نشان می‌دهد که زنان خانه‌دار حدود ۶ برابر زنان شاغل هستند.

جدول ۱. تعداد زنان جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کل کشور به تفکیک جنس و وضع فعالیت سال ۱۳۹۵

وضعیت فعالیت	زنان	درصد زنان
شاغل	۳۳۵۹۵۲۸	۱۰/۲۲
بیکار	۹۷۹۶۴۳	۲/۹۸
محصل	۵۹۴۳۴۱۰	۱۸/۰۸
خانه‌دار	۲۰۴۲۷۹۷۸	۶۲/۱۶
دارای درآمد بدون کار	۸۳۵۵۴۷	۲/۵۴
سایر	۱۲۸۳۲۱۴	۳/۹
اظهار نشده	۳۰۰۵۷	۰/۰۹
جمع	۳۲۸۵۹۳۷۷	۱۰۰

مأخذ: مرکز آمار ایران.

همان‌طور که در جدول ذیل مشاهده می‌شود، بیش از ۸۴ درصد از زنان خانه‌دار کل کشور متأهل و در این میان، حدود ۸ درصد به‌دلیل فوت یا طلاق فاقد همسر هستند. دختران مجرد هرگز ازدواج نکرده نیز که به امر خانه‌داری می‌پردازند، ۶ درصد از خانه‌داران را تشکیل می‌دهند.

جدول ۲. تعداد زنان خانه‌دار براساس وضع زناشویی و وضع فعالیت در نقاط شهری و روستایی سال ۱۳۹۵

وضعیت زناشویی	کل کشور	درصد	شهری	درصد	روستایی	درصد
دارای همسر	۱۷۲۷۰۳۸۳	۸۴/۵۴	۱۲۷۱۹۹۸۲	۸۵/۴۳	۴۵۴۳۱۵۳	۸۲/۱۶
بی‌همسر به‌دلیل فوت همسر	۱۵۶۷۸۸۵	۷/۶۷	۱۱۲۸۱۷۸	۷/۵۷	۴۳۹۲۵۹	۷/۹۴
بی‌همسر به‌دلیل طلاق	۳۳۹۳۱۸	۱/۶۶	۲۷۷۱۰۵	۱/۸۶	۶۲۱۸۷	۱/۱۲
هرگز ازدواج نکرده	۱۲۴۹۳۰۶	۶/۱۱	۷۶۳۲۶۰	۵/۱۲	۴۸۴۴۶۵	۸/۷۶
اظهار نشده	۱۰۸۶	۰/۰۰۵	۷۴۹	۰/۰۰۵	۳۳۴	۰/۰۰۶
جمع کل	۲۰۴۲۷۹۷۸	۱۰۰	۱۴۸۸۹۲۷۴	۱۰۰	۵۵۲۹۳۹۸	۱۰۰

مأخذ: مرکز آمار ایران.

از دهه ۸۰ تاکنون با سیر صعودی تعداد زنان خانه‌دار مواجه هستیم و علل چنین اتفاقی را می‌توان بنابر شرایط اقتصادی یا حتی فرهنگی مورد تحلیل قرار داد. تعداد زنان خانه‌دار از ۵۷ درصد در سال ۱۳۸۰ به حدود ۶۲ درصد در سال ۱۳۹۷ رسیده است.^۱ همچنین در سال ۱۳۹۴ نیز با بیشترین تعداد زنان خانه‌دار در این بازه زمانی مواجه بودیم. در سال‌های یاد شده تعداد زنان شاغل با افزایش روبه‌رو بوده و افراد بیکار رشد چشمگیری نداشته‌اند؛ بنابراین نمی‌توان ارتباط چندان معناداری میان نرخ بیکاری و افزایش خانه‌داری زنان برقرار کرد. به‌نوعی می‌توان ادعا کرد تحولات یاد شده بیشتر ناشی از افزایش جمعیت و در نتیجه افزایش تعداد زنان خانه‌دار است.

جدول ۳. توزیع نسبی جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر زنان بر حسب وضع فعالیت

(درصد)

در نقاط شهری و روستایی

سال	جمعیت فعال از نظر اقتصادی				جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی			
	جمع	شاغل	بیکار (قبلاً شاغل)	بیکار (قبلاً غیر شاغل)	جمع	محصل	خانه‌دار	دارای درآمد بدون کار سایر
۱۳۸۰	۱۱/۸	۹/۴	۰/۲	۲/۱	۸۸/۲	۲۵/۹	۵۷/۳	۲/۱
۱۳۸۵	۱۶/۴	۱۳/۸	۰/۶	۲/۱	۸۳/۶	۲۱/۹	۵۶/۶	۱/۶
۱۳۹۰	۱۲/۶	۱۰/۰	۰/۵	۲/۱	۸۷/۴	۲۰/۱	۶۱/۰	۲/۵
۱۳۹۳	۱۲/۰	۹/۷	۰/۴	۲/۰	۸۸/۰	۱۷/۹	۶۴/۲	۲/۷
۱۳۹۴	۱۳/۳	۱۰/۷	۰/۵	۲/۱	۸۶/۷	۱۷/۴	۶۴/۳	۲/۶
۱۳۹۵	۱۴/۹	۱۱/۸	۰/۶	۲/۵	۸۵/۱	۱۷/۱	۶۲/۸	۲/۸
۱۳۹۶	۱۵/۹	۱۲/۸	۰/۷	۲/۴	۸۴/۱	۱۶/۵	۶۲/۲	۳/۰
۱۳۹۷	۱۶/۱	۱۳/۰	۰/۸	۲/۲	۸۳/۹	۱۶/۴	۶۲/۶	۲/۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۹۷.

در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ - ۱۳۸۵ از زنان مزد و حقوق‌بگیر عمومی کاسته شده و بر بخش خصوصی افزوده شده است.^۲ عده‌ای از پژوهشگران معتقدند علت چنین مسئله‌ای سیاست‌هایی مانند خصوصی‌سازی و خصوصی شدن برخی بنگاه‌ها و استفاده بیشتر از زنان در این بخش است.^۳ حال سؤالی

۱. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵.

۲. کریمی، ۱۳۹۴.

۳. تاج مزینانی و همکاران، ۱۳۹۸.



که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا چنین اتفاقی ناشی از افزایش نیاز به نیروی کار در بخش خصوصی بوده یا دلیل آن استفاده از زنان به‌عنوان نیروی کار ارزان‌قیمت و نظارت کمتر دولت است؟

۲-۱- تفکیک زنان خانه‌دار براساس گروه‌های سنی

تفکیک زنان خانه‌دار براساس گروه‌های سنی نیز نشان می‌دهد که بیشترین تعداد زنان خانه‌دار شهری و روستایی در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال قرار دارند. از حدود ۱۵ میلیون زن خانه‌دار شهری دو میلیون و سیصد زن خانه‌دار در فاصله سنی ۳۰ تا ۳۴ سال و از میان حدود ۵/۵ میلیون زن خانه‌دار روستایی ۷۰۰ هزار نفر در این گروه سنی قرار دارند.

جدول ۴. تعداد زنان خانه‌دار براساس گروه سنی - شهری و روستایی

روستایی	شهری	کل	سن
۵۵۷۴۸۱۵	۱۴۸۸۹۲۷۴	۲۰۴۲۷۹۷۸	کل سنین
۴۳۹۳۵	۲۹۴۸۳	۷۱۹۸۷	۱۰-۱۴ ساله
۲۶۶۶۶۴	۳۵۶۲۵۵	۶۱۹۹۹۹	۱۵-۱۹ ساله
۵۳۸۴۰۸	۱۰۵۹۸۰۰	۱۵۹۴۴۴۸	۲۰-۲۴ ساله
۷۳۹۲۶۴	۱۹۵۸۵۶۹	۲۶۹۳۹۴۹	۲۵-۲۹ ساله
۷۵۳۸۶۰	۲۳۰۳۵۹۵	۳۰۵۴۲۲۶	۳۰-۳۴ ساله
۶۵۲۹۲۷	۱۹۴۱۰۹۱	۲۵۹۱۷۷۳	۳۵-۳۹ ساله
۵۴۶۷۰۳	۱۵۵۴۲۰۰	۲۰۹۹۲۲۶	۴۰-۴۴ ساله
۴۷۱۰۲۷	۱۴۳۴۰۲۲	۱۹۰۳۴۴۰	۴۵-۴۹ ساله
۳۸۴۵۰۲	۱۲۱۸۸۹۳	۱۶۰۱۸۸۰	۵۰-۵۴ ساله
۳۵۳۵۸۰	۱۰۲۲۲۲۰	۱۳۷۳۸۴۹	۵۵-۵۹ ساله
۲۸۵۸۱۷	۷۴۴۵۷۸	۱۰۲۸۱۲۸	۶۰-۶۴ ساله
۵۳۸۱۲۸	۱۲۶۶۵۶۸	۱۷۹۵۰۷۳	۶۵ ساله و بیشتر

مأخذ: مرکز آمار ایران - سرشماری ۱۳۹۵.

در حال حاضر سن بیمه‌پردازی زنان خانه‌دار ۱۸ تا ۵۰ سال در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین از میان گروه‌های سنی فوق بازه سنی ۲۰ تا ۵۴ سال که به این بازه سنی نزدیک‌تر هستند، به‌طور تقریبی انتخاب می‌شود.

حدود ۱۵/۵ میلیون زن خانه‌دار در این بازه سنی هستند. زنان خانه‌دار شهری و روستایی به‌ترتیب ۱۱/۵ و ۴ میلیون از افراد را در این بازه سنی تشکیل می‌دهند.^۱

۱. حدود ۱۱/۴۷۰/۱۷۰ زن خانه‌دار شهری و ۴/۰۸۶/۶۹۱ زن خانه‌دار روستایی در این بازه سنی قرار دارند.

جدول ۵. تعداد زنان خانه‌دار گروه سنی ۲۰ تا ۵۴ ساله شهری و روستایی

روستایی	شهری	کل	سن
۵۳۸.۴۰۸	۱۰۵۹.۸۰۰	۱۵۹۴.۴۴۸	۲۰-۲۴ ساله
۷۳۹.۲۶۴	۱۰۹۵۸.۵۶۹	۲۰۹۳.۹۴۹	۲۵-۲۹ ساله
۷۵۳.۸۶۰	۲۰۳۰۳.۵۹۵	۳۰۵۴.۲۲۶	۳۰-۳۴ ساله
۶۵۲.۹۲۷	۱۰۹۴۱.۰۹۱	۲۰۹۱۰.۷۷۳	۳۵-۳۹ ساله
۵۴۶.۷۰۳	۱۰۵۵۴.۲۰۰	۲۰۹۹۰.۲۲۶	۴۰-۴۴ ساله
۴۷۱.۰۲۷	۱۰۴۳۴.۰۲۲	۱۰۹۰۳.۴۴۰	۴۵-۴۹ ساله
۳۸۴.۵۰۲	۱۰۲۱۸.۸۹۳	۱۰۶۰۱.۸۸۰	۵۰-۵۴ ساله
۴۰۸۶.۶۹۱	۱۱۰۴۷۰.۱۷۰	۱۵۰۵۳۸.۹۴۲	کل

مأخذ: همان.

از آنجایی که با توجه به جدول ۲، زنان خانه‌دار حدود ۸۵ درصد «دارای همسر»، ۸ درصد «بدون همسر به دلیل فوت» و ۱/۶۶ درصد «بی همسر به دلیل طلاق» و ۶/۱۱ درصد «هرگز ازدواج نکرده» هستند، بنابراین از تعداد کل ۱۵۰۵۳۸.۹۴۲ زنان خانه‌دار بازه سنی ۲۰ تا ۵۴ سال حدود ۱۳ میلیون «دارای همسر»، یک میلیون «بی همسر به دلیل فوت» و حدود ۲۶۰ هزار نفر «بی همسر به دلیل طلاق» هستند. تعداد ۹ هزار زن خانه‌دار نیز در این بازه سنی هرگز ازدواج نکرده‌اند. بر این اساس اگر در تصمیم‌گیری‌ها صرفاً زنان خانه‌دار براساس سن بیمه‌پردازی مدنظر قرار گرفته شوند، از تعداد کل میزان قابل توجهی کاسته خواهد شد.

جدول ۶. وضعیت زناشویی زنان خانه‌دار بازه سنی ۲۰ تا ۵۴ سال - شهری و روستایی

وضعیت زناشویی	کل کشور	شهری	روستایی
دارای همسر	۱۳,۱۳۶,۶۲۲	۹,۷۹۸,۹۶۶	۳,۳۵۷,۶۲۵
بی همسر به دلیل فوت همسر	۱,۱۹۱,۸۳۷	۸۶۸.۲۹۲	۳۲۴,۴۸۳
بی همسر به دلیل طلاق	۲۵۷,۹۴۶	۲۱۳.۳۴۵	۴۵.۷۷۱
هرگز ازدواج نکرده	۹۴۹,۴۲۹	۵۸۷.۲۷۳	۳۵۷.۹۹۴
اظهارنشده	۷۷۷	۵۷۴	۲۴۵
جمع کل	۱۵.۵۳۶.۶۱۱	۱۱,۴۶۸,۴۵۰	۴۰۸۶.۶۹۱

مأخذ: همان.



بنابر سرشماری سال ۱۳۹۵ کل کشور در گروه سنی ۵۴-۲۰ سال «زنان خانه‌دار شهری دارای همسر» حدود ۱۰ میلیون^۱ بوده و یک میلیون «زن خانه‌دار شهری بدون همسر» هستند. سرجمع ۱۰.۸۸۰.۶۰۳ زن خانه‌دار شهری متأهل، دارای همسر یا بدون همسر به دلیل فوت یا طلاق هستند.

۳-۱. زنان خانه‌دار متأهل براساس تعداد فرزند و دهک درآمدی

استدلال مدافعان بیمه زنان خانه‌دار بیشتر حول حمایت از مادری بیان می‌شود؛ بنابراین لحاظ نمودن تعداد فرزندان در این تصمیمات و اولویت‌دهی براساس آن مورد توجه برنامه‌ریزان قرار دارد. بنابر ماده (۱۰۳) قانون برنامه ششم توسعه نیز دولت مکلف به بیمه نمودن زنان خانه‌دار حداقل سه فرزند شده است. جدول ذیل زنان خانه‌دار را به تفکیک تعداد فرزند نشان می‌دهد.

جدول ۷. زنان خانه‌دار به تفکیک تعداد فرزند - شهری و روستایی ۱۳۹۹

مناطق	کل	بدون فرزند	یک فرزند	دو فرزند	سه فرزند	چهار فرزند	بیشتر از چهار
شهری	۱۴.۳۱۳.۲۴۲	۲.۷۴۰.۵۸۱	۴.۲۷۸.۶۷۵	۵.۰۴۷.۶۹۳	۱.۶۶۸.۶۴۹	۳۹۰.۶۸۰	۱۸۶.۹۶۴
روستایی	۴,۳۱۵,۰۹۳	۸۱۶,۳۳۲	۱,۱۱۵,۲۲۷	۱,۳۸۴,۲۹۰	۶۷۱,۴۶۳	۲۲۵,۴۱۱	۱۰۲,۳۷۰
کل کشور	۱۸.۶۲۸.۳۳۴	۳.۵۵۶.۹۱۳	۵,۳۹۳,۹۰۲	۶,۴۳۱,۹۸۳	۲,۳۴۰,۱۱۲	۶۱۶,۰۹۱	۲۸۹,۳۳۴

مأخذ: داده‌های مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹.

همچنین مطابق جدول ۸، از حدود ۱۱/۵ میلیون زن خانه‌دار شهری بازه سنی ۲۰ تا ۵۴ سال،^۲ ۵۶ درصد حداکثر دو فرزند و حدود ۳۹ درصد حداقل سه فرزند دارند.

از چهار میلیون زن خانه‌دار روستایی در بازه سنی ۲۰ تا ۵۴ سال، ۳ میلیون دارای همسر و ۵۰۰ هزار نفر بدون همسر هستند. از این تعداد حدود ۵۹ درصد حداکثر دو فرزند و ۴۱ درصد حداقل سه فرزند دارند. بنابر ماده (۲۱) قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» مصوب ۱۴۰۰/۷/۲۴، زنان خانه‌دار روستایی دارای سه فرزند و بیشتر ذیل صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر تحت پوشش بیمه قرار خواهند گرفت. «زنان خانه‌دار متأهل بدون فرزند» و «زنان خانه‌دار متأهل دارای کمتر از سه فرزند» جامعه هدف این قانون نیستند؛ بنابراین بایستی این قشر را نیز در تصمیمات مدنظر قرار داد.

۱. ۹/۷۹۸/۹۶۶ نفر
۲. ۱۱/۴۷۰/۱۷۰ زن خانه‌دار شهری

جدول ۸. زنان خانه‌دار براساس تعداد فرزند بازه سنی ۲۰ تا ۵۴ سال - شهری و روستایی

بدون فرزند	یک فرزند	دو فرزند	سه فرزند	چهار فرزند	پنج فرزند و بیشتر	۱۳۹۵
						گروه سنی ۲۰-۵۴ سال
۱۳/۵	۱۹/۷	۲۵/۸	۱۴/۳	۸/۴	۱۸/۳	کل کشور
	۳۳/۲	۵۹/۰	۷۳/۳	۸۱/۷	۱۰۰	درصد تجمعی
۱۹۶۹۱۶۴	۲۸۷۳۵۲۲	۳۷۶۳۲۹۲	۲۰۸۵۸۵۵	۱۲۲۵۲۵۸	۲۶۶۹۳۱۲	فراوانی زنان خانه‌دار کل کشور براساس تعداد فرزند
	۴۸۴۲۶۸۶	۸۶۰۵۹۷۸	۱۰۶۹۱۸۳۳	۱۱۹۱۷۰۹۱	۱۴۵۸۶۴۰۳	فراوانی تجمعی
۱,۴۶۸,۸۸۱	۲,۱۴۳,۴۷۹	۲,۸۰۷,۱۹۶	۱,۵۵۵,۹۲۶	۹۱۳,۹۷۱	۱,۹۹۱,۱۵۰	زنان خانه‌دار شهری براساس تعداد فرزند
	۶,۴۱۹,۵۵۶			۴,۴۶۱,۰۴۷		
۱۲/۸۰	۱۸/۶۸	۲۴/۴۷	۱۳/۵۶	۷/۹۶	۱۷/۳۵	درصد زنان خانه‌دار شهری براساس تعداد فرزند
	۵۶			۳۹		
۵۰۳,۲۶۴	۷۳۴,۳۹۲	۹۶۱,۷۹۳	۵۳۳,۰۸۷	۳۱۳,۱۴۲	۶۸۲,۲۰۲	زنان خانه‌دار روستایی براساس تعداد فرزند
۱۳/۵	۱۹/۶۹	۲۵/۸۰	۱۴/۳۰	۸/۴۰	۱۸/۳۰	درصد زنان خانه‌دار روستایی براساس تعداد فرزند
	۵۹			۴۱		

مأخذ: محاسبات آماری براساس اطلاعات مرکز آمار ایران.

همان‌طور که در جدول ذیل مشاهده می‌شود اگر بخواهیم حمایت از زنان خانه‌دار را با توجه به دهک‌های درآمدی و تعداد فرزندان آنان اولویت‌بندی نماییم، قطعاً زنان خانه‌دار دارای فرزند بیشتر و در دهک‌های پایین‌تر در اولویت برنامه‌ریزی خواهند بود.

جدول ۹. تعداد زنان خانه‌دار براساس تعداد فرزند، دهک، شهری و روستایی، ۱۳۹۹

دهک	تعداد فرزند	شهری	روستایی
۱	۱	۱۰۷,۲۷۸	۱۶۷,۴۷۵
	۲	۱۶۰,۷۸۵	۲۷۷,۸۵۲
	۳	۱۳۸,۳۵۰	۲۰۲,۵۳۷
	۴	۶۵,۲۱۷	۹۷,۴۳۲
	۴>	۵۵,۱۴۵	۶۵,۸۷۵
۲	۱	۱۷۴,۶۳۹	۱۷۲,۴۴۱
	۲	۳۲۹,۸۶۵	۲۶۸,۸۰۸
	۳	۲۰۱,۰۹۳	۱۴۱,۵۹۶
	۴	۷۸,۸۵۲	۵۰,۱۳۴

۴>	۴	۲۵,۵۸۳	۵,۵۳۹
۲	۳	۲۲۴,۸۱۴	۸۰,۷۵۳
۱	۱	۳۷۶,۳۷۶	۱۴۰,۷۲۶
۴>	۴	۲۵,۷۷۷	۱۱,۵۵۹
۴	۳	۶۰,۴۰۱	۳۴,۰۹۵
۲	۲	۴۳۰,۷۳۶	۲۱۵,۴۳۰
۱	۱	۲۸۲,۴۷۲	۱۵۳,۱۹۳
۴>	۴	۴۳,۵۰۰	۱۳,۸۷۲



۱۱۵.۵۱۶	۴۶۵.۷۸۳	۱	۵
۱۳۹.۷۰۰	۶۰۳.۶۶۰	۲	
۵۴.۷۷۶	۲۰۴.۶۳۷	۳	
۱۱.۸۴۳	۴۲.۱۴۲	۴	
۳.۳۴۶	۸.۹۱۹	۴>	
۹۹.۱۷۲	۵۲۲.۳۷۰	۱	۶
۱۲۱.۲۷۶	۶۳۴.۴۳۶	۲	
۳۹.۱۹۹	۱۹۶.۶۶۶	۳	
۴.۹۳۵	۳۱.۹۱۴	۴	
۱.۹۲۴	۱۲.۹۳۱	۴>	
۱۱۴.۷۰۴	۵۷۱.۳۲۰	۱	۷
۷۹.۲۳۶	۶۶۰.۳۳۷	۲	
۲۲.۸۱۸	۱۷۸.۶۴۵	۳	
۴.۳۲۵	۲۶.۴۳۸	۴	
۲۲۵	۷.۴۵۰	۴>	
۸۲.۶۷۴	۵۷۷.۱۳۹	۱	۸
۵۸.۱۸۸	۶۴۵.۵۱۰	۲	
۱۷.۸۹۵	۱۵۲.۷۴۱	۳	
۴.۰۰۳	۱۵.۵۵۴	۴	
	۲.۸۷۶	۴>	
۴۹.۱۱۷	۶۳۲.۸۵۰	۱	۹
۳۵.۱۹۰	۵۷۵.۵۰۸	۲	
۹.۳۷۱	۹۹.۳۹۰	۳	
۱۲۱	۱۵.۹۱۹	۴	
	۴.۷۸۳	۴>	
۲۰.۲۰۸	۵۷۸.۴۴۹	۱	۱۰
۲۰.۳۸۵	۴۷۷.۹۳۱	۲	
۵.۱۰۹	۷۱.۲۹۵	۳	
۶۱	۱۰.۲۹۶	۴	
		۴>	
۱۵۰۷۱.۴۲۱			کل

مأخذ: داده‌های هزینه درآمد خانوار، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹.

براساس این جدول در ۸ دهک اول درآمدی زنان خانه‌دار شهری با دو فرزند بیشترین فراوانی را داشته است، اما در میان زنان روستایی تا ۶ دهک اول درآمدی بیشترین فراوانی مربوط به زنان دارای دو فرزند است. به عبارتی در مناطق روستایی از دهک ۷ به بعد تک‌فرزندی بیشتر مورد استقبال بوده است. این تفاوت در داده‌های شهری و روستایی می‌تواند شاخصی در ارائه روش‌های حمایتی با هدف کاهش مهاجرت‌های روستا به شهر و جابه‌جایی جمعیت باشد. به گونه‌ای که زنان خانه‌دار روستایی در شرایط برابر با زنان شهری از حمایت بیشتری برخوردار باشند.

۴-۱. زنان خانه‌دار براساس درآمد سالیانه خانوار

یکی از پارامترهای دیگری که در برنامه‌ریزی و دسته‌بندی زنان خانه‌دار با هدف حمایت‌گری می‌تواند کمک‌کننده باشد، توجه به وضعیت درآمدی خانوار آنان است.

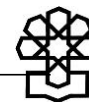
در سال ۱۳۹۹ حدود ۱۱.۷۸۲.۳۱۵ زن خانه‌دار شهری متوسط درآمد خانوار کمتر از ۸۰ میلیون تومان در سال دارند. از آنجایی که زنان خانه‌دار بازه سنی ۲۰ تا ۵۴ سال حدود ۷۷ درصد از زنان خانه‌دار را تشکیل می‌دهند؛ لذا می‌توان گفت، ۷۷ درصد عدد فوق یعنی حدود ۹ میلیون نفر از زنان خانه‌دار بازه سنی ۵۴ - ۲۰ سال درآمد خانوار کمتر از ۸۰ میلیون در سال دارند.

با توجه به محدودیت‌های بودجه‌ای معمولاً دولت‌ها از حمایت‌های رفاهی حداکثری سر باز می‌زنند. هرچه برنامه‌ریزی دقیق‌تر و عملیاتی‌تر باشد، امکان اجرایی شدن آن بیشتر خواهد بود. برنامه‌ریزی برای حمایت از زنان خانه‌دار می‌تواند براساس درآمد خانوار وضعیت‌سنجی شود، به‌طوری که خانواده‌های با درآمد سرانه بالاتر که امکان سهل‌تری برای پرداخت حق بیمه دارند از حمایت کمتری برخوردار گردند. جدول ذیل زنان خانه‌دار را براساس متوسط درآمد خانوار تقسیم‌بندی کرده است.

جدول ۱۰. تعداد زنان خانه‌دار به تفکیک متوسط درآمد سالیانه خانوار شهری و روستایی، ۱۳۹۹

روستایی	شهری	متوسط درآمد سالیانه (تومان در سال)
۱۵۵.۶۶۷	۷۹.۵۳۴	درآمد خانوار کمتر از ۱۰ میلیون تومان در سال
۹۵۱.۵۴۷	۸۶۰.۷۸۹	درآمد خانوار کمتر از ۲۰ میلیون تومان در سال
۱.۱۴۴.۳۲۵	۲.۰۰۶.۲۹۳	درآمد خانوار کمتر از ۳۰ میلیون تومان در سال
۸۴۲.۱۳۶	۲.۶۰۰.۸۷۶	درآمد خانوار کمتر از ۴۰ میلیون تومان در سال
۵۴۴.۲۱۸	۲.۳۴۷.۷۷۲	درآمد خانوار کمتر از ۵۰ میلیون تومان در سال
۲۹۳.۰۸۴	۱.۷۱۱.۱۶۰	درآمد خانوار کمتر از ۶۰ میلیون تومان در سال
۱۴۳.۶۹۸	۱.۲۸۸.۰۳۳	درآمد خانوار کمتر از ۷۰ میلیون تومان در سال
۹۰.۰۵۰	۸۸۷.۸۵۸	درآمد خانوار کمتر از ۸۰ میلیون تومان در سال
۵۲.۷۴۳	۵۷۶.۸۲۲	درآمد خانوار کمتر از ۹۰ میلیون تومان در سال
۳۷.۱۵۲	۵۰۶.۶۲۲	درآمد خانوار کمتر از ۱۰۰ میلیون تومان در سال
۶۰.۴۷۳	۱.۴۴۷.۴۴۲	درآمد خانوار بیشتر از ۱۰۰ میلیون تومان در سال
۱۸.۶۲۸.۳۳۴		

مأخذ: داده‌های هزینه درآمد خانوار، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹.



۵-۱-۱. تعداد زنان خانه‌دار به تفکیک استانی

مقایسه تعداد زنان خانه‌دار در استان‌های کشور نشان می‌دهد که استان‌های همدان، مرکزی، آذربایجان شرقی، کرمانشاه و مازندران دارای بیشترین تعداد زنان خانه‌دار نسبت به جمعیت کل زنان استان هستند. در رده‌های بعدی نیز آذربایجان غربی، قزوین، کردستان، اردبیل و اصفهان جای گرفته‌اند. بنابراین اگر قرار باشد اعتبارات اختصاص یابد این استان‌ها در اولویت تصمیم‌گیری قرار دارند. استان‌های کرمان، بوشهر، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان و سیستان و بلوچستان کمترین تعداد زنان خانه‌دار نسبت به تعداد کل زنان استان را دارا هستند.

جدول ۱۱. بیشترین و کمترین تعداد زنان خانه‌دار براساس استان‌ها ۱۳۹۵

استان‌ها	زنان خانه‌دار	جمعیت کل زنان استان	درصد زنان خانه‌دار نسبت به جمعیت کل زنان استان
تعداد کل	۲۰۴۲۷۹۷۸	۳۹۰۴۲۷۰۸۲۸	۵۱/۸۱
همدان	۵۰۱۴۶۶	۸۵۷۰۹۱۶	۵۸/۴۵
مرکزی	۴۰۴۲۵۸	۷۰۳۰۷۲۴	۵۷/۴۴
آذربایجان شرقی	۱۰۸۵۷۶۷	۱۰۹۲۰۲۵۲	۵۶/۵۴
کرمانشاه	۵۳۳۴۴۰	۹۴۶۰۴۱۹	۵۶/۳۶
مازندران	۹۰۶۰۳۶	۱۰۶۲۹۰۵۸۴	۵۵/۵۹
آذربایجان غربی	۸۹۲۰۵۷	۱۰۶۰۶۰۹۰۰	۵۵/۵۱
قزوین	۳۴۵۳۰۰	۶۲۳۰۲۶۲	۵۵/۴۰
کردستان	۴۳۵۳۸۰	۷۹۰۰۲۳۵	۵۵/۰۹
اردبیل	۳۴۱۰۸۱	۶۲۰۰۱۶۵	۵۴/۹۹
اصفهان	۱۳۷۸۳۹۴	۲۰۵۲۱۰۳۷۳	۵۴/۶۶
قم	۳۴۵۸۸۳	۶۳۳۰۷۴۳	۵۴/۵۷
گیلان	۶۸۶۶۲۴	۱۰۲۶۳۰۹۹	۵۴/۳۶
زنجان	۲۸۲۵۱۷	۵۲۲۰۶۱۲	۵۴/۰۵
البرز	۷۰۹۸۹۲	۱۰۳۳۶۰۰۶۵	۵۳/۱۳
خراسان رضوی	۱۶۷۶۸۹۲	۳۰۱۸۹۰۳۱۶	۵۲/۵۷
لرستان	۴۵۵۵۰۹	۸۶۷۰۷۶۰	۵۲/۴۹
تهران	۳۴۲۸۹۳۲	۶۰۵۹۳۰۹۶۵	۵۲/۰۰
چهارمحال و بختیاری	۲۴۰۵۵۶	۴۶۵۰۴۰۷	۵۱/۶۸
گلستان	۴۶۶۵۳۴	۹۳۰۰۴۹۲	۵۰/۱۳
سمنان	۱۷۲۸۷۳	۳۴۵۰۷۰۴	۵۰/۰۰
فارس	۱۱۹۴۹۱۰	۲۰۳۹۰۰۰۲۳	۴۹/۹۹
خراسان جنوبی	۱۸۵۷۴۷	۳۷۸۰۹۸۱	۴۹/۰۱
خراسان شمالی	۲۰۸۷۶۳	۴۲۹۰۴۵۹	۴۸/۶۱
خوزستان	۱۱۲۴۷۸۸	۲۰۳۲۱۰۸۳۵	۴۸/۴۴

استان‌ها	زنان خانه‌دار	جمعیت کل زنان استان	درصد زنان خانه‌دار نسبت به جمعیت کل زنان استان
یزد	۲۶۳۹۹۲	۵۵۲.۵۲۰	۴۷/۷۷
کرمان	۷۳۶۱۵۹	۱.۵۴۷.۰۳۰	۴۷/۵۸
بوشهر	۲۵۵۹۷۸	۵۴۲.۶۷۸	۴۷/۱۶
ایلام	۱۳۳۸۵۵	۲۸۴.۹۵۹	۴۶/۹۷
کهگیلویه و بویراحمد	۱۵۶۴۰۷	۳۵۱.۶۶۶	۴۴/۴۷
هرمزگان	۳۸۳۴۷۵	۸۶۹.۶۰۱	۴۴/۰۹
سیستان و بلوچستان	۴۹۴۵۱۳	۱.۳۷۳.۰۸۳	۳۶/۰۱

مأخذ: مرکز آمار ایران.

۲-۱. وضعیت سنجی زنان خانه‌دار

۱-۲-۱. وضعیت زنان خانه‌دار به لحاظ نگرشی

قانونگذاری صحیح و اصولی جهت حمایت از زنان خانه‌دار مستلزم در نظر گرفتن تمامی ابعاد زندگی و وضعیت سنجی شرایط زنان خانه‌دار است. تحولات اجتماعی منجر به تغییراتی در نقش‌های خانوادگی شده و همین امر اهمیت برخی نقش‌ها را تضعیف و در عین حال بعضی دیگر را تقویت نموده است.

تغییر نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی و نسبت خانواده با نهادهای اجتماعی از قبیل سیاست، اقتصاد و فرهنگ تغییراتی را در نظام خانواده به همراه دارد. نگرش سنجی در زمینه نقش‌های خانوادگی می‌تواند نمایی کلی از تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده ناظر به نقش‌ها را یادآوری نماید.

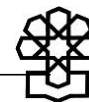
حضور اجتماعی زنان از موضوعات مهمی است که مناقشات زیادی را به همراه دارد و از متغیرهای اجتماعی است که شدت و شتاب تحولات اجتماعی را به روشنی بازتاب می‌نماید. در تحقیقات متعدد و به خصوص در پیمایش‌های عمومی که به منزله رصد تغییرات صورت می‌گیرد، این موضوع جایگاه مهمی یافته است. مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی از جمله موضوعات مهمی بوده که جامعه با آن مواجه است. میزان آمادگی و پذیرش جامعه برای این مشارکت و اینکه کدام گروه‌های اجتماعی با آن موافق و کدام مخالف هستند را می‌توان از طریق پیمایش‌های انجام شده احصا نمود. یافته‌ها حاکی از آن است که نگرش جامعه در این زمینه به نحو متناقضی تغییر کرده است. نگرش پاسخگویان درباره اشتغال همسر خود تغییر شدیدی نداشته، ولی درباره زنان (به نحو اعم) این نگرش تغییر زیادی کرده است.^۱

• تغییرات نگرشی در زمینه الگوی مردان آور - زن خانه‌دار

در سال ۱۳۵۳، ۷۴ درصد از مردان متأهل با کار کردن همسر خود مخالف بودند،^۲ ولی این نسبت در

۱. پیمایش ملی تحولات فرهنگی/ گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی ایرانیان کل کشور، ۱۳۸۳: ۱۶۰.

۲. گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران، گزارشی از یک نظرخواهی ملی در سال ۱۳۵۳، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.



سال ۱۳۸۳ به ۶۹ درصد کاهش یافت. بنابر این پیمایش، افراد تحصیلکرده گرایش بیشتری به کار کردن همسر بیرون از منزل داشته‌اند. در سال ۱۳۸۳ نیز این رابطه کماکان پابرجاست. اگرچه در بین دارندگان تحصیلات عالی میزان موافقان بیشتر از مخالفان بود. بنابراین قابل پیش‌بینی است که با افزایش تحصیلات در سطح جامعه این تغییرات تشدید شود.

در سال ۱۳۸۳ گرایش به کار کردن همسر در گروه سنی بالاتر از ۵۵ سال بیشتر از دیگر گروه‌های سنی است. (۷۴ درصد) دیگر گروه‌ها تقریباً به یک میزان واکنش مخالف نشان داده‌اند. جالب اینجاست که این گرایش با دوره‌های زندگی نسبتی ندارد و فرد با عبور به دوره میانسالی و سالخوردگی تغییر عقیده نمی‌دهد. به‌عنوان مثال ۲۰ درصد از گروه سنی ۲۴ - ۱۵ سال با کار کردن همسر موافق و ۵۵ درصد مخالف بوده‌اند. ۳۰ سال بعد این افراد در گروه سنی ۵۴ - ۴۵ قرار گرفته‌اند. پیمایش سال ۱۳۸۳ نشان می‌دهد نه تنها از گرایش موافق آنها کاسته نشده، بلکه افزایش نیز یافته است. یعنی این عدد در این سال به ۳۳ درصد موافق و درواقع ۱۳ درصد افزایش نظر موافق رسیده است.

در پیمایش ملی خانواده سال ۱۳۹۸ نیز گروه سنی (۲۹ - ۱۵ سال) تنها گروه سنی نزدیک به گروه سنی ۲۴ - ۱۵ سال است. در این سنین حدود ۴۴ درصد با کار کردن زنان موافق و ۲۳ درصد مخالف هستند. ۳۳ درصد نیز نه موافق و نه مخالف را تشکیل می‌دهند.

با این حال در گروه سنی ۳۴ - ۲۵ در سال ۱۳۵۳، ۲۰ درصد موافق و ۷۵ درصد مخالف بودند. در سال ۱۳۸۳ این افراد به سنین ۶۴ - ۵۵ سال رسیده و یافته‌های سال ۱۳۸۳ نشان می‌دهد این اعداد به ۲۶ درصد موافق یعنی ۶ درصد افزایش نظر موافق و ۷۴ درصد مخالف رسیده‌اند. نتایج نشان می‌دهد تغییرات در این گروه سنی بسیار کند بوده و این گروه در دوره‌های زندگی گرایش‌های خود را تغییر نداده‌اند. البته در این بررسی مخالف‌ها تقریباً ثابت بود، یعنی کسانی که نظر بینابین داشتند به سمت موافق حرکت کرده‌اند.

در پیمایش خانواده سال ۱۳۹۸ این مخالفت به عدد ۲۵ درصد رسیده است.^۱ همان‌طور که مشاهده می‌شود در اینجا تغییر نگرشی وسیعی رخ داده و در زمینه کار کردن زن بیرون منزل از سال ۱۳۵۳ تاکنون حدود ۴۹ درصد تغییر نگرشی داشته‌ایم. به‌نظر می‌رسد این تغییر برخاسته از تغییرات و تحولات اقتصادی - فرهنگی در جامعه، تغییرات نگرشی زنان به نقش‌ها و حساسیت‌ها نسبت به حقوق برابر افراد و مانند آن باشد.

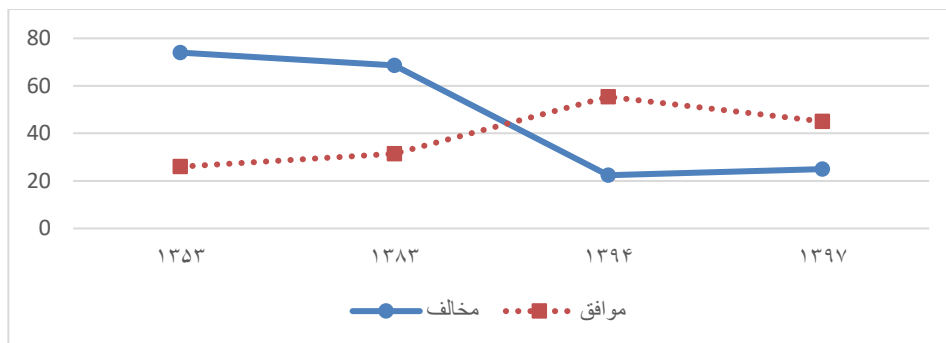
جدول ۱۲. نگرش‌ها درخصوص کار کردن زنان (درصد)

نوع نگرش		۱۳۵۳		۱۳۸۳		۱۳۹۴		۱۳۹۸	
		موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف
کار کردن زن بیرون از منزل		۲۶	۷۴	۶۸/۶	۳۱/۴	۲۲/۴	۵۵/۴	۲۵	۴۵/۱

مأخذ: پیمایش ملی تحولات فرهنگی - گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی ایرانیان کل کشور، ۱۳۸۳/پیمایش گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران، گزارشی از یک نظرخواهی ملی در سال ۱۳۵۳/وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران، دانشگاه تهران، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۴/پیمایش ملی خانواده، جهاد دانشگاهی واحد البرز (خوارزمی).

۱. پیمایش ملی خانواده، جهاد دانشگاهی واحد البرز (خوارزمی)، ۱۳۹۸.

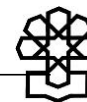
نمودار ۱. نگرش‌ها در خصوص کار کردن زن بیرون از منزل



از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۴ کم‌رنگ‌تر شدن الگوی مرد نان‌آور - زن خانه‌دار را شاهد بوده‌ایم و از سال ۱۳۹۴ به بعد باز به سمت وسوی حمایت بیشتر از این الگو رفته‌ایم. اگرچه نمی‌توان تأثیر چالش‌های اقتصادی را در تمایل بیشتر به کار کردن زنان بیرون از منزل نادیده گرفت. با این حال اگر موانع اقتصادی بر این مسئله تأثیر بگذارند نیز، در طول زمان تغییرات خیلی نرم‌تر پیش می‌روند و می‌توان به تحلیل فوق ناظر به الگوی نان‌آوری مردان اتکا نمود.

سال ۱۳۸۲ در پاسخ به این سؤال که بعضی‌ها معتقدند «زن‌ها وظیفه‌شان خانه‌داری است و نباید بیرون از خانه کار کنند»، حدود ۷۱ درصد مخالف و ۲۱ درصد موافق بوده‌اند.^۱ از میان ۷۱ درصد مخالف، زنان حدود ۸۰ درصد مخالفت و ۲۰ درصد نیز موافقت داشته‌اند و این در حالی است که مردان ۱۷ درصد کمتر از زنان مخالف وظیفه خانه‌داری زنان و کار نکردن آنها بیرون از منزل بوده‌اند. به عبارتی مردان به لحاظ نگرشی همراهی بیشتری با وظیفه خانه‌داری و کار نکردن زنان بیرون از منزل دارند. پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» سال ۱۳۹۴ نیز در پاسخ به این ادعا که «زن‌ها وظیفه‌شان خانه‌داری است و نباید بیرون از خانه کار کنند»، حدود ۵۵ درصد مخالف و ۲۳ درصد موافقت را اعلام نموده‌اند.^۲ بر این اساس از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۴ نیز با حدود ۱۷ درصد کاهش و تغییر در درصد مخالفان مواجه هستیم.

۱. ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان/ موج دوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۸۲.
 ۲. ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان/ موج سوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی، ۱۳۹۵.

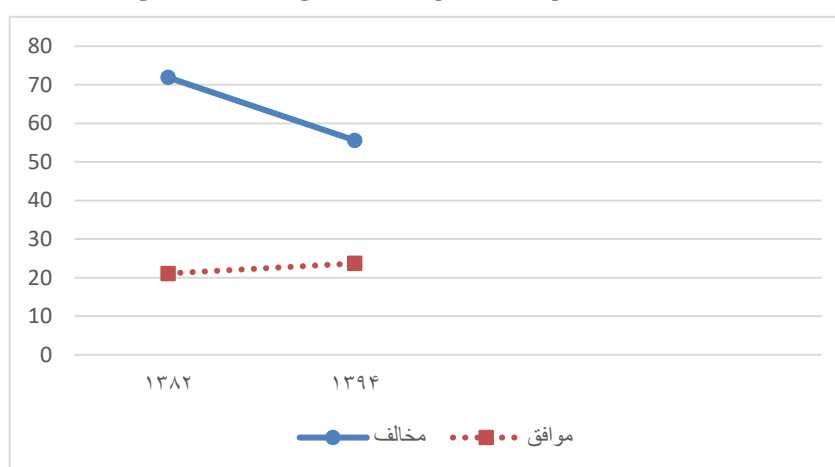


جدول ۱۳. نگرش درخصوص وظیفه بودن خانه‌داری زنان (درصد)

نوع نگرش	۱۳۸۲			۱۳۹۴		
	مخالف	مردد ^۱	موافق	مخالف	فرقی ندارد	موافق
زنها وظیفه‌شان خانه‌داری است و نباید بیرون از خانه کار کنند	۷۱/۹	۷/۱	۲۱/۱	۵۵/۶	۲۰/۶	۲۳/۷

مآخذ: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان/ موج دوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۸۲/ ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان/ موج سوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی، ۱۳۹۵.

نمودار ۲. نگرش درخصوص وظیفه بودن خانه‌داری زنان



نکته جدول فوق این است که در سال ۱۳۹۴ به تعداد افرادی که نظری بینابین دارند اضافه شده و افراد موافق تغییر چشمگیری نداشته‌اند. این داده می‌تواند به این معنا باشد که مردم هنوز نسبت به اشتغال زنان در وضعیت ابهام نگرشی قرار دارند و این ابهام رو به افزایش است.

در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که در سال ۱۳۸۰ منتشر شد نیز سؤال تقریباً مشابهی مبنی بر اینکه «کار بیرون از منزل وظیفه مردهاست و زنها وظیفه‌شان خانه‌داری است.» پرسیده شده بود. از این پیمایش این نتیجه حاصل شد که ۶۷ درصد مخالف و ۲۶ درصد موافق بوده‌اند. درخصوص این دیدگاه ۷۴ درصد از زنان و ۶۰ درصد مردان ابراز مخالفت کردند. به عبارتی در اینجا نیز تمایل به کار بیرون از منزل از نظر زنان بیشتر بوده است.

۱. چون در این پیمایش برای نظرات بینابین از عبارت مردد استفاده شده است، همان را به‌کار برده‌ایم. در سال ۱۳۹۴ افراد با نظرات بینابین با عبارت فرقی ندارد نشان داده شده‌اند.

جدول ۱۴. نگرش درخصوص کار بیرون از منزل سال ۱۳۸۰

نگرش	مخالف	مردد	موافق
کار بیرون از منزل وظیفه مردهاست و زن‌ها وظیفه‌شان خانه‌داری است. ^۱	۶۷/۴	۵/۷	۲۶/۸
زن‌ها هم باید مثل مردان در تأمین مخارج خانواده سهیم باشند. ^۲	۲۱/۸	۲۹/۳	۴۸/۹

مأخذ: پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۰.

در پیمایش خانواده سال ۱۳۹۸، حدود ۶۲ درصد با انجام کارهای خانه توسط مرد به اندازه همسرش موافق بوده‌اند. همچنین ۴۵ درصد از افراد معتقد بودند نان‌آور خانواده باید حتماً مرد باشد و ۳۲ درصد نظر مخالف این دیدگاه را بیان داشتند.

جدول ۱۵. نگرش درخصوص انجام کارهای خانه توسط مرد/ نان‌آوری مردان

نوع نگرش	۱۳۹۸	
	مخالف	موافق
انجام کارهای خانه توسط مرد به اندازه همسرش	۱۵/۴	۶۲/۵
نان‌آور حتماً باید مرد باشد	۳۲/۴	۴۵/۴

مأخذ: پیمایش ملی خانواده، جهاد دانشگاهی واحد البرز (خوارزمی)، ۱۳۹۸.

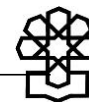
همان‌طور که اشاره شد تحلیل کلی متغیرها نشان می‌دهد در زمینه کار کردن زنان بیرون از منزل از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۴ با تضعیف الگوی مرد نان‌آور - زن خانه‌دار و از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ با تقویت این الگو مواجه بوده‌ایم. زمانی که در صورت سؤال علاوه بر کار کردن بیرون از منزل مقوله «وظیفه خانه‌داری زنان» اضافه می‌شود، به‌طور کلی الگو به سمت حمایت بیشتر از خانه‌داری زنان می‌رود. پس اینکه سؤال دقیقاً چه باشد مهم خواهد بود.

داده‌های سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد علی‌رغم تقویت نقش نان‌آوری مردان، اما مرز میان نگرش درخصوص اینکه نان‌آور حتماً باید مرد باشد یا زن به یکدیگر بسیار نزدیک است و تنها با ۱۳ درصد تغییر نگرش به سمت نان‌آوری زنان می‌رود. با توجه به اینکه ۱۳ درصد اختلاف میان موافقان و مخالفان عدد زیادی نیست، بنابراین امکان تزلزل و تغییرات بیشتر و تغییر نگرش به سمت تقویت نقش نان‌آوری زنان محتمل است.

علاوه بر این از نتایج پیمایش سال ۱۳۹۸ تقویت نگرش نان‌آوری مردان با شرط فعالیت مشارکتی در کار خانگی و خانه‌داری و رفتن به سمت الگوی دموکراتیک‌تر در تقسیم کار خانگی برداشت می‌شود.

۱. ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان/ موج سوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی، ۱۳۹۵.

۲. وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران، دانشگاه تهران، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۴.



• گذران وقت زنان و خانه‌داری

بنابر پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۸۲ در زمینه نحوه گذران اوقات فراغت، خانه‌داران ۳۸ درصد و شاغلین ۴۳ درصد گرایش به مسافرت یا گردش و تفریح دارند. در مقایسه افراد خانه‌دار و شاغل در زمینه اوقات فراغت، افراد خانه‌دار زمان بیشتری را برای رفتن به سینما، استراحت در خانه، انجام امور دینی و انجام کارهای دستی سپری می‌کنند. در مقابل شاغلین بیشترین زمان خود را در اوقات فراغت صرف اموری همچون معاشرت با اقوام و دوستان، ورزش، قدم زدن، رفتن به پارک، رفتن به مسجد، کافی شاپ و غیره می‌نمایند. براساس پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان سال ۱۳۹۴ در زمینه گذران اوقات فراغت با اعضای خانواده، اقوام، فامیل و همسایگان، خانه‌داران بیشتر از شاغلین به این امور می‌پردازند. برعکس شاغلین در زمینه گذران اوقات فراغت با دوستان، همکاران و شبکه‌های مجازی زمان بیشتری را سپری می‌کنند.

در زمینه گذران وقت، زنان بیشترین زمان فعالیت خود را بعد از «رسیدگی و خودمراقبتی» به «خدمات خانگی بدون مزد برای اعضای خانوار و خانواده» (۴ ساعت و ۴۴ دقیقه) و بعد به «فرهنگ، فراغت، رسانه‌های گروهی، تمرین‌های ورزشی» (۴ ساعت و ۸ دقیقه) اختصاص می‌دهند. این در حالی است که مردان بیشترین زمان خود را پس از «رسیدگی و خودمراقبتی» به «اشتغال و فعالیت‌های مرتبط برای مزد» (۴ ساعت و ۴۸ دقیقه) و بعد به «فرهنگ، فراغت، رسانه‌های گروهی، تمرین‌های ورزشی» (۴ ساعت و ۴۷ دقیقه) می‌پردازند.

جدول ۱۶. متوسط زمان سپری شده در یک شبانه‌روز توسط جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر به تفکیک گروه‌های فعالیت گذران وقت بر حسب جنس در مناطق شهری کشور - بهار ۱۳۹۹

گروه‌های فعالیت گذران وقت	مرد و زن	مرد	زن
کل	۲۴/۰۰	۲۴/۰۰	۲۴/۰۰
اشتغال و فعالیت‌های مرتبط برای مزد	۲/۴۰	۴/۴۸	۰/۳۵
تولید کالا برای استفاده نهایی خود	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۵
خدمات خانگی بدون مزد برای اعضای خانوار و خانواده	۲/۵۰	۰/۵۲	۴/۴۴
خدمات مراقبتی بدون مزد برای اعضای خانوار و خانواده	۰/۲۲	۰/۱۱	۰/۳۳
کار داوطلبانه بدون مزد، کارآموزی و سایر کارهای بدون مزد	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲
یادگیری	۰/۲۱	۰/۱۹	۰/۲۲
معاشرت، ارتباط، مشارکت اجتماعی و آداب و رسوم دینی	۱/۳۶	۱/۲۵	۱/۴۷
فرهنگ، فراغت، رسانه‌های گروهی، تمرین‌های ورزشی	۴/۲۷	۴/۴۷	۴/۰۸
رسیدگی و خودمراقبتی	۱۱/۳۸	۱۱/۳۲	۱۱/۴۵

مأخذ: مرکز آمار ایران.

این جدول به خوبی نشان می‌دهد که زنان و مردان در شاخص رسیدگی و خودمراقبتی یکسان هستند. اولویت دوم آنها به تفکیک جنسیت، برای مردان «اشتغال و فعالیت‌های مرتبط برای مزد» و برای زنان «کار خانگی برای اعضای خانواده» است. این فرایند نشان‌دهنده «الگوی مرد نان‌آور - زن خانه‌دار» در جامعه ایرانی باشد.^۱ در اولویت‌های بعدی زن و مرد در فرهنگ و فراغت و... مشترک هستند.

• نگرش درخصوص خانه‌داری زن و انتخاب همسر

در سال ۱۳۵۳ سه ویژگی «نجابت»، «خلق خوش» و «خانه‌داری» به ترتیب سه ویژگی مهم زن ایده‌آل محسوب می‌شدند. در سال ۱۳۸۳ پاسخگویان در پاسخ به همین سؤال «خوش اخلاقی»، «مهربانی»، «باحجاب بودن»، «تقوا» و «خانه‌داری» را از مهم‌ترین ویژگی‌های زن ایده‌آل برشمرده‌اند.^۲ صفاتی مانند «تحصیلات»، «سطح فرهنگی»، «ظاهر زیبا» و «اصالت خانوادگی» از جمله صفات بعدی هستند.

همان‌طور که مشاهده می‌کنیم در این پیمایش تغییر نگرشی در زمینه ویژگی‌های مهم زن ایده‌آل مشاهده می‌شود و به‌طور خاص «خانه‌دار بودن زن» از رتبه سوم در سال ۱۳۵۳ به رتبه پنجم در سال ۱۳۸۳ رسیده است. همین امر می‌تواند ناشی از تغییر نگرش خانواده خصوصاً در زمینه تقسیم کار خانگی باشد. از سویی «شاغل بودن زن» در این دو سال جزء ویژگی‌های مهم برای زن ایده‌آل محسوب نمی‌شده‌اند، بنابراین چنین تغییر نگرشی نمی‌تواند ناشی از تغییر نگرش درخصوص نقش نان‌آوری مردان و نقض آن باشد.

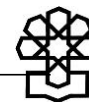
• نگرش درخصوص فرزندآوری در زنان خانه‌دار

درخصوص نگرش زنان خانه‌دار نسبت به برخی مسائل مربوط به خانواده می‌توان به برخی از تحقیقات اشاره نمود. براساس نتایج یک پژوهش در شهر تهران، پاسخ به «فرزندآوری در آینده در صورت حمایت مالی و اقتصادی دولت»، در زنان خانه‌دار نسبت به زنان شاغل بیشتر بود. پاسخ به فرزندآوری در آینده برای زنان خانه‌دار ۷۴ درصد و در زنان شاغل ۶۳ درصد بیان شد. همچنین در مورد سیاست‌های حمایتی دولت نظیر بیمه شدن رایگان فرزندان در گروه زنان خانه‌دار ارتباط معناداری وجود داشت؛ به‌طوری که زنان خانه‌دار در صورت ارائه حمایت‌های دولت ۷۴ درصد و زنان شاغل ۶۲ درصد خواهان فرزندآوری در آینده خواهند بودند.^۳ این موضوع را از دو لحاظ می‌توان تحلیل نمود. از طرفی ممکن است زنان شاغل به دلیل شرایط سخت نگهداری کودکان، عدم انعطاف‌های کاری و دور بودن محل نگهداری کودکان از آنان دچار چالش باشند و در نتیجه کمتر از زنان خانه‌دار فرزندآوری را ترجیح دهند. یک تحلیل دیگر هم این است که حمایت‌های بیشتر از زنانی که در هر صورت تمایلی به اشتغال ندارند، منجر به بهبود شرایط آنان جهت

۱. این الگو در کل جهان به عنوان الگوی غالب محسوب می‌شود. کشورهایمانند آلمان و مانند آن نیز حمایت‌هایی را در راستای حمایت از الگوی مرد نان‌آور - زن خانه‌دار به عمل می‌آورند.

۲. یافته‌های پیمایش ملی تحولات فرهنگی/ گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی ایرانیان کل کشور، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳.

۳. حاجی‌زاده بنده قرا و همکاران، ۱۳۹۵.



فرزندآوری و حمایت بیشتر می‌گردد. به نظر می‌رسد قانونگذار بایستی با در نظر گرفتن سلاقی مختلف در عین فراهم آوردن شرایط منعطف کاری برای زنان شاغل، به حمایت از زنان خانه‌داری که به هر روی شاغل نیستند یا تمایلی به اشتغال ندارند اهتمام ورزد. با این استدلال که تمایل به فرزندآوری در زنان شاغل نیز رقم پایینی نبوده است. براساس نتایج این پژوهش تقریباً ۷۶ درصد از زنان خانه‌دار یک یا دو فرزند داشتند، اما تعداد تک‌فرزندی آنها بیشتر بود (۵۳ درصد). در حالی که در زنان شاغل تک‌فرزندی و دوفرزندی تقریباً با هم برابر و درصد دوفرزندی در آنها نسبت به زنان خانه‌دار بیشتر بود.

تحقیقات این حوزه نشان می‌دهد استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری در زنان شاغل نسبت به کسانی که خانه‌دار بودند بیشتر است. براساس نتایج این مطالعه تمایل به فرزندآوری زنان خانه‌دار نسبت به زنان شاغل بیشتر بود. زنان خانه‌دار ۳۹/۲ درصد و زنان شاغل ۱۹/۵ درصد تمایل به داشتن فرزند در آینده داشتند.^۱ همان‌طور که اشاره شد می‌توان گفت، اگرچه دیدگاه زنان خانه‌دار در این تحقیق نسبت به فرزندآوری مثبت‌تر بوده است؛ با این حال اختلاف دیدگاه زنان شاغل و خانه‌دار میزان زیادی نبوده و حداکثر حدود ۱۹ درصد تفاوت میان رویکرد آنان مشاهده می‌شود. علاوه بر این، نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دیگر بر تمایل یا عدم تمایل آنان را به فرزندآوری نمی‌توان کتمان نمود. به عبارتی، ایجاد شرایط کاری مناسب برای مادران شاغل در تمایل آنان به فرزندآوری تأثیر بسزایی خواهد داشت.

جدول ۱۷. تمایل به فرزندآوری زنان شاغل و خانه‌دار (درصد)

عنوان	زنان خانه‌دار	زنان شاغل
تمایل به فرزندآوری	۳۹/۲	۱۹/۵
پاسخ به فرزندآوری در آینده	۷۴	۶۳/۳
فرزندآوری در صورت حمایت‌های دولت	۷۴	۶۲/۲

مأخذ: پژوهش حاجی‌زاده بنده قرا و دیگران، ۱۳۹۵.

در مطالعه انجام شده در زمینه ارتباط میان اشتغال زنان و فرزندآوری،^۲ بین رتبه شغلی زنان و عدم تمایل به فرزند دوم رابطه وجود داشت و زنان با رتبه شغلی بالاتر تمایل کمتری به داشتن فرزند دوم داشتند. بنابر مطالعه سوری^۳ توقف فرزندآوری در میان زنان شاغل بیشتر از زنان غیرشاغل است. در مطالعه قاضی طباطبایی و همکار^۴ در زمینه اثر اشتغال در باروری بررسی شد و نشان داد زنان شاغل در مقایسه با زنان غیرشاغل زمان بیشتری را به فعالیت می‌پردازند و این امر منجر به تمایل کمتر به فرزندآوری می‌شود. در مطالعه دیگری تعداد فرزندان اکثر زنان شاغل در این مطالعه کمتر از تعداد فرزندان ایده‌آل ازسوی آنها بود و شغل‌شان را یکی از دلایل کاهش فرزندآوری بیان می‌کردند.^۵

۱. حاجی‌زاده بنده قرا و دیگران، ۱۳۹۵.

۲. در مطالعه حجازی و همکاران، ۲۰۱۳؛ به نقل از نیاز و دیگران، ۱۳۹۵.

۳. ۲۰۰۶.

۴. ۲۰۰۳.

۵. حاجی‌زاده بنده قرا و همکاران، ۱۳۹۵.

در مطالعه‌ای درخصوص رابطه اشتغال و تمایل به فرزندآوری در بین زنان شاغل در آستانه ازدواج در سطح استان‌های کشور، این نتیجه حاصل شد که میانگین تعداد فرزند مطلوب از نظر زنان شاغل عدد ۲/۰۱ و در میان زنان غیرشاغل این عدد ۲/۴ است.^۱

جدول ۱۸. تفاوت زنان شاغل و غیرشاغل از نظر تعداد فرزندان

میانگین تعداد فرزند مطلوب از نظر زنان شاغل	میانگین تعداد فرزند مطلوب از نظر زنان غیرشاغل
۲/۰۱	۲/۴

مأخذ: پژوهش مشفق و دیگران، ۱۳۹۵.

دسته‌ای دیگر از مطالعات^۲ نشان می‌دهند که ویژگی‌های شغلی با باروری ارتباط کاملاً مستقیمی دارد و شرایط کاری با سازگاری زنان در نقش‌های شغلی و خانوادگی اثرگذار است. پس می‌توان از طریق فراهم آوردن شرایط شغلی دوستدار خانواده زمینه افزایش باروری را فراهم ساخت. در کل نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهد که فرزندآوری برای زنانی که شغل با امنیت بیشتر و درآمد بالاتر دارند و زنان شاغلی که احساس می‌کنند می‌توانند از پس مراقبت از فرزندان برآیند بیشتر است. این مطالعه نشان می‌دهد برخی از ویژگی‌های اشتغال باعث کاهش باروری نشده است، بلکه برعکس برخی از این ویژگی‌ها را می‌توان در افزایش باروری مؤثر دانست. این عده معتقدند شرایط اشتغال زنان در ایران بایستی متناسب با فرزندآوری بازتعریف شود.^۳

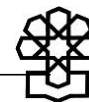
با توجه به اینکه موضوع این پژوهش در زمینه نوعی از حمایت اجتماعی رفاهی از زنان خانه‌دار تحت عنوان بیمه اجتماعی است، بنابراین می‌توان با اطمینان گفت حمایت اجتماعی از زنان خانه‌دار منجر به تسهیل‌گری برای آنان می‌شود. در عین حال حمایت از زنان شاغل نیز بایستی در همین راستا صورت گیرد؛ با این تفاوت که حمایت از زنان شاغل علاوه بر حمایت‌های اجتماعی، شامل ایجاد شرایط کاری دوستدار مادر و خانواده نیز می‌شود. زنان خانه‌داری که تمایلی به اشتغال خارج از منزل یا حتی درون منزل نداشته و خود این نقش را انتخاب نموده‌اند، به دلیل فاقد درآمد بودن و نداشتن حمایت بیشتر دولت در بیمه‌پردازی، با آسیب‌پذیری بیشتری در زمینه آتیه خود و فرزندان مواجه خواهند شد و همین امر استدلال مناسبی برای توجه بیشتر به حمایت از این قشر به‌شمار می‌آید.^۴

۱. مشفق و دیگران، ۱۳۹۵.

۲. به‌طور خلاصه می‌توان به تحقیقات میرزایی و قهفرخی، ۱۳۹۴/ دلیری، ۱۳۹۷/ ثمنی و دیگران، ۱۳۹۹ و غیره اشاره کرد و این رویکرد در اغلب تحقیقات درخصوص نسبت میان شرایط شغلی و باروری زنان وجود دارد.

۳. میرزایی و قهفرخی، ۱۳۹۴.

۴. بایستی تأکید کرد که منظور از خانه‌داری زنان لزوماً به‌معنای انجام کار خانگی نیست و خانه‌داری زنان که در نظام ارزشگذاری و عرف حاکم بر جامعه ما نیز تعریف می‌شود، ورای این مسائل و امری ارزشمند، با در نظر گرفتن هویت و جایگاه خطیر زنان در استحکام و تعالی خانواده و اثرگذاری مهم وی در محیط خانه تعریف می‌گردد.



۲-۱. مشارکت اقتصادی زنان و نسبت آن با خانه‌داری

در زمینه خانه‌داری زنان با الگوی واحدی روبه‌رو نیستیم. زنان شاغل علاوه بر کار مزدی که در خارج از منزل انجام می‌دهند به کار بدون مزد درون منزل هم مشغول هستند. این مثال را می‌توان درباره زنان بازنشسته و مانند آن نیز بیان نمود. شیوه کنونی آمارگیری براساس خوداظهاری بوده و ممکن است یک زن بازنشسته، دانشجو، شاغل پاره‌وقت، کشاورز، دامدار و... نیز خود را خانه‌دار بنامند.

به عبارتی ما در واقعیت با الگوهای متنوع و متکثری از زنان خانه‌دار مواجه هستیم. درخصوص سهم اشتغال زنان، حتی اگر زنان کشاورز، دامدار، دانشجو و... نیز حین آمارگیری خود را خانه‌دار نامیده باشند، فاصله گرفتن از تعاریف صرفاً آماری برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. پس بایستی رابطه واقعی میان پدیده‌ها و الگوی اصیل آنها را بدون توجه به تحلیل‌های کمی نیز یافت. حال در ادامه به برخی شاخصهای مرتبط با مشارکت و فعالیت اقتصادی زنان می‌پردازیم.

در سال ۱۳۹۸ سهم اشتغال زنان ۱۵ ساله و بالاتر در بخش کشاورزی ۲۲/۵ درصد، بخش صنعت ۲۵/۷ درصد و بخش خدمات ۵۱/۷ درصد بوده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، زنان نقش پُرننگی در بخش خدمات به لحاظ سهم اشتغال دارند و همین امر مسئله‌ای قابل تأمل است که بیشتر باید مورد توجه قانونگذاران قرار گیرد. چراکه سهم عمده‌ای از مشاغل بخش خدمات از سطح منزلتی چندان مناسبی برخوردار نبوده و گاهی زنان به عنوان نیروی کار ارزان قیمت به این امور مشغول می‌شوند.^۱

مشارکت زنان در مشاغل خانگی نیز یکی از مواردی است که در این تحلیل بایستی مورد توجه قرار گیرد. در زمینه مشاغل خانگی در سال ۱۳۹۸، زنان ۷۵ الی ۸۰ درصد از افرادی که درخواست مجوز داشته‌اند را تشکیل می‌دادند. از این میزان ۴۰ درصد آنان را زنان در سنین ۴۰ - ۲۰ سال، ۴۲ درصد سنین ۶۰ - ۴۰ سال و ۱۸ درصد زنان ۶۰ سال به بالا تشکیل می‌دهند.

جدول ۱۹. درصد افراد درخواست‌کننده مجوز مشاغل خانگی (درصد) - سال ۱۳۹۸

گروه سنی	درصد
۲۰ - ۴۰ سال	۴۰
۴۰ - ۶۰ سال	۴۲
۶۰ سال به بالا	۱۸

مأخذ: دبیرخانه سامان‌دهی و حمایت از مشاغل خانگی.

از سال ۱۳۹۸ - ۱۳۹۰ حدود ۳/۶ درصد از متقاضیان اخذ مجوز مشاغل خانگی شاغل، ۵۳ درصد بیکار (جویای کار)، ۲۷/۲۸ درصد خانه‌دار، ۱/۲ درصد در حال تحصیل و ۱۳ درصد نیز سایر بودند. زیر یک درصد از این افراد را هم زنان دارای درآمد بدون کسب‌وکار تشکیل می‌داده‌اند. در چهارماهه اول سال ۱۳۹۹، ۴۱

۱. این میزان را می‌توان در مورد زنان شاغلی که بیمه ندارند و در آمار به حساب نمی‌آیند محاسبه کرد. به عبارتی نرخ اشتغال زنان تغییر چندانی نداشته، اما تجربه زیسته نشان از فعالیت بیشتر زنان در بیرون از منزل با هدف درآمدزایی دارد.

درصد خانه‌دارها، ۴۹/۶ درصد افراد بیکار و ۸/۳ درصد از شاغلین، متقاضی اخذ مجوز مشاغل خانگی بودند.

جدول ۲۰. درخواست‌کنندگان مجوز مشاغل خانگی براساس وضع فعالیت (درصد)

بازه زمانی	شاغل	بیکار	خانه‌دار	در حال تحصیل	سایر	دارای درآمد و بدون کسب‌وکار
۱۳۹۰ - ۱۳۹۸	۳/۶	۵۳	۲۷/۲۸	۱/۲	۱۳	زیر یک درصد

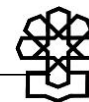
مأخذ: همان.

همان‌طور که در این جدول ملاحظه می‌شود بعد از افراد بیکار، میزان تقاضای افراد خانه‌دار برای مشاغل خانگی قابل توجه است. از طرفی ۸۰ درصد از شاغلان کسب‌وکارهای خانگی در ایران را زنان و ۲۰ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. لذا با توجه به دسته‌بندی شغلی زنان که بیشتر در مشاغل خدماتی یا مشاغل کم‌درآمد و بدون بیمه (صرفاً جهت کسب اندک درآمد) فعالیت دارند و همچنین تمایل زنان به استفاده از ظرفیت مشاغل خانگی، می‌توان نتیجه گرفت که ایجاد بسترهای شغلی که هدف درآمدزایی در آن تأمین شود و در عین حال انعطاف لازم را داشته و از تعارض‌های نقشی زنان در محیط خانه و کار بکاهد، می‌تواند شرایط زنان در هر دو نقش را بهبود بخشد.

۳-۲-۱. نگرش‌های موجود در زمینه خانه‌داری زنان

در این زمینه دیدگاه‌های مختلفی ازجمله رویکرد سنتی، رویکرد هویتی و توجه به ارزش کار خانگی مطرح است. خانه‌داری زنان و خصوصاً کار خانگی ازجمله موضوعاتی هستند که همواره به‌لحاظ نظری مورد مناقشه اندیشمندان و فعالان حوزه زنان و خانواده بوده و نگرش‌های انتقادی فراوانی در تأیید یا رد این نقش برای زنان مطرح شده است. اگرچه بایستی تأکید نمود که نگرش به خانه‌داری با کار خانگی متفاوت بوده؛ اما به‌دلیل اینکه در مناقشات موجود قضاوت‌های یکسانی درباره این دو مسئله صورت می‌گیرد، در ادامه به کلیت مناقشه‌ها در این زمینه خواهیم پرداخت.

الف) کلیشه‌انگاری کار خانگی: در این رویکرد، مخالفان تأکید بر نقش خانه‌داری زنان را دامن زدن به کلیشه‌های جنسیتی دانسته و در این زمینه نیز قائل به نقد تقسیم کار جنسیتی هستند. مناقشات و تعارضات نظری حوزه زنان و خانواده خصوصاً در زمینه دوگانه زن شاغل - زن خانه‌دار این مسئله را بیش از پیش مورد چالش موافقان و مخالفان قرار داده است. از نظر مخالفان، خانه‌داری با کار خانگی یکسان انگاشته می‌شود و منجر به وظیفه تلقی شدن کار خانگی برای زنان و اعمال فشارهای مضاعف بر آنان خواهد شد. فمینیست‌های مارکسیست بیشتر ذیل این تفکر جای می‌گیرند و سایر شاخه‌های فمینیسم خصوصاً فمینیست‌های رادیکال و سوسیالیست نیز با کار خانگی مخالف بوده و همگی به تبع آن خانه‌داری زنان را نیز در راستای حمایت از نقش‌های جنسیتی و نابرابری میان زن و مرد می‌دانند.^۱ در مقابل عده‌ای



نیز برپایه دیدگاه‌های کاملاً سنتی صرفاً به خانه‌نشینی زنان و محدود نمودن آنان در کار خانگی اکتفا نموده و مخالف هرگونه حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی - فرهنگی یا اشتغال آنان بیرون از منزل هستند.

ب) هویت‌سازی: این گروه علاوه بر اهمیت قائل شدن بر حضور اجتماعی زنان و نقش مهم آنان در عرصه‌های مختلف کشور، از جهت نظام ارزشی نقش مادری، همسری و خانه‌داری زنان را از اولویت‌های ضروری به‌شمار می‌آورند. در این دیدگاه زنان هویت خود را به‌لحاظ خانوادگی و غیرخانوادگی از هم تفکیک می‌کنند. همچنین طبق مطالعات صورت‌گرفته بیشتر زنان هویت خود را خانوادگی می‌دانند و برای نقش‌های مادری و همسری در مقابل اشتغال اولویت قائل می‌شوند.^۱ موافقان خانه‌داری زنان معتقدند خانه‌داری صرفاً به‌معنای کار خانگی نبوده و در بردارنده معنایی در راستای تحکیم خانواده و تلاش در جهت رشد کانون گرم خانواده و تربیت فرزندان خواهد بود. اگرچه خانه‌داری زنان در نظام حقوقی به‌عنوان وظیفه ذاتی زنان دانسته نشده است، با این حال نظام ارزشگذاری و حقوقی از یکدیگر منفک بوده و نظام ارزشگذاری، خانه‌داری زنان و مادری را ارزش تلقی می‌نمایند و توجه به آن را ضروری می‌دانند.^۲

ج) نگاه دستمزدی و ارزشگذاری اقتصادی: ارزشگذاری اقتصادی خانه‌داری همواره مورد توجه برخی فعالان حوزه زنان بوده است. با این حال مطالعات صورت‌گرفته نشان می‌دهد که زنان خانه‌دار نگرش خوبی نسبت به دریافت دستمزد برای کار خانگی نداشته‌اند. در این مطالعه زنان شاغل و خانه‌دار مخالف دریافت دستمزد از سوی شوهران خود بودند و دلیل آنها این بود که روابط مالی و مادی بر روابط عاطفی تأثیر می‌گذارد. عده‌ای هم نسبت به دریافت دستمزد برای خانه‌داری، تلقی زن به مثابه خدمتکار خانگی داشتند. اگرچه زنان خواهان استقلال مالی بودند، با این حال چنین کاری را نوعی تحقیر شخصیت می‌دانستند.^۳

۲. بیمه زنان خانه‌دار

۲-۱. وضعیت موجود بیمه زنان خانه‌دار در حال حاضر

بیمه زنان خانه‌دار از سال ۱۳۷۸ مورد توجه دولت قرار گرفت. هیئت دولت در مصوبه ۱۳۷۸/۱۱/۳ سازمان تأمین اجتماعی را موظف نمود تا نسبت به تهیه و تدوین طرح بیمه زنان خانه‌دار اقدام نماید.^۴ پس از آن در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ پیگیری‌هایی از سوی دولت صورت پذیرفت و برای اولین بار در قانون بودجه سال ۱۳۸۱ مبلغ دو میلیون ریال اعتبار برای اجرای بیمه‌های اجتماعی زنان خانه‌دار اختصاص یافت. درنهایت بنابر صدور بخشنامه‌ای که در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۲۳ ازسوی سازمان تأمین اجتماعی صادر شد، زنان خانه‌دار با رعایت شرایط مقرر در بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد در زمره

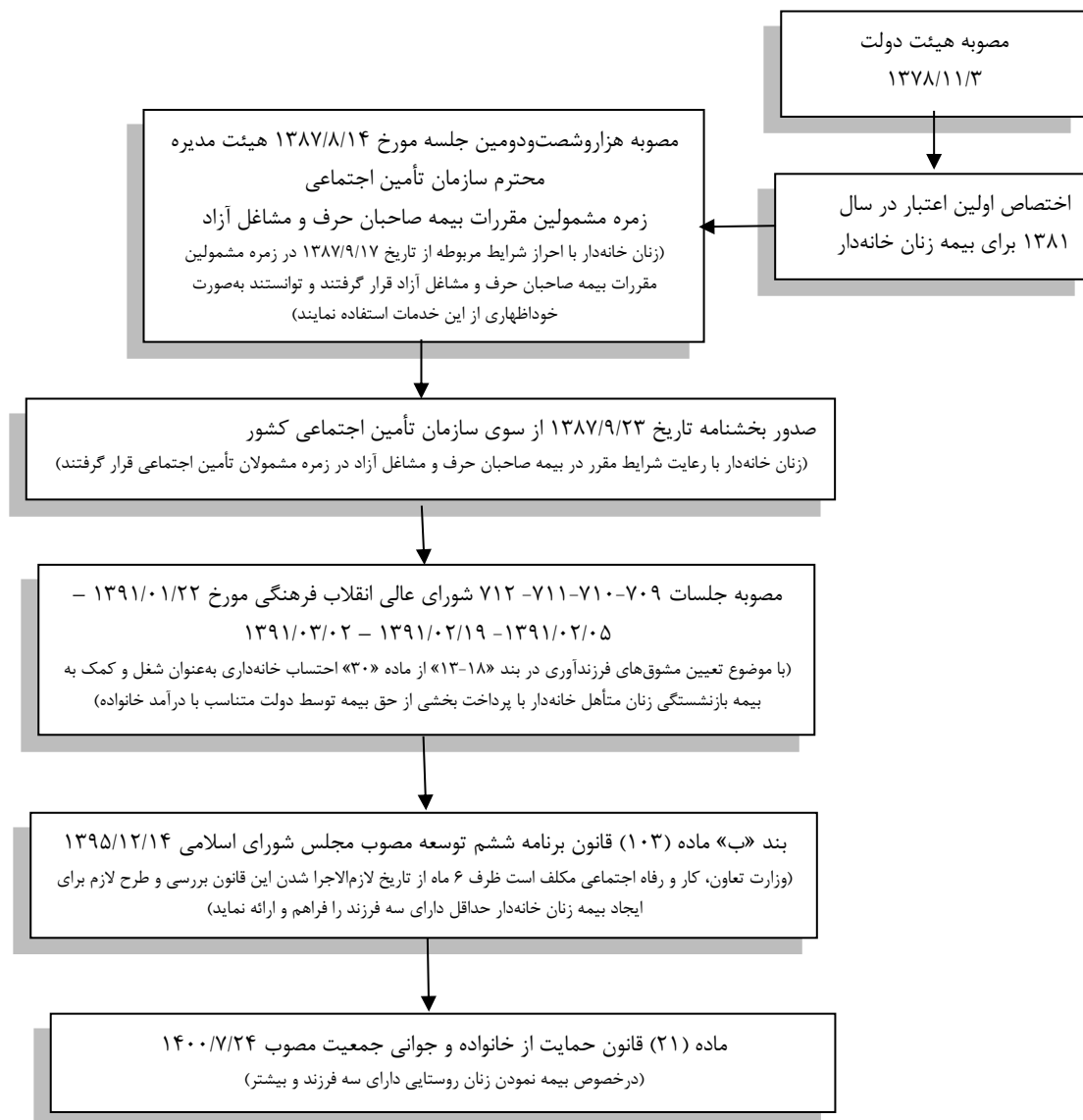
۱. اکلی، ۱۹۷۴؛ به نقل از بدری‌منش و صادقی، ۱۳۹۴.

۲. بایستی توجه کرد که منظور از خانه‌داری صرفاً کار خانگی نیست و نباید این دو مفهوم را با یکدیگر خلط نمود.

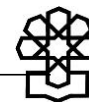
۳. همان.

۴. طرح بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار (۱۳۹۱). مرکز امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری.

مشمولان تأمین اجتماعی قرار گرفتند. در همین ارتباط تا مردادماه ۱۳۹۹ تعداد ۳۲۴.۷۴۹ نفر از زنان خانه‌دار در زمره بیمه‌پردازان سازمان قرار گرفته‌اند.



درخصوص بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار و به‌منظور گسترش و توسعه امر بیمه و ارائه آن به آحاد افراد جامعه و در اجرای بند سی و چهار مصوبه هزار و شصت و دومین جلسه مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۴ هیئت مدیره محترم سازمان تأمین اجتماعی «زنان خانه‌دار» با احراز شرایط مربوطه از تاریخ ۱۳۸۷/۹/۱۷ در زمره مشمولین مقررات بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد قرار گرفته‌اند و در صورت تمایل می‌توانند به‌صورت خوداظهاری به‌عنوان «زنان خانه‌دار» و با انعقاد قرارداد و پرداخت حق بیمه مقرر از تعهدات قانونی این سازمان بهره‌مند گردند. بند «ب» ماده (۱۱) آیین‌نامه اجرایی ماده (۷) قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، در راستای تعمیم و



گسترش پوشش بیمه‌ای به گروه‌های خاص جامعه، کمک به گسترش پوشش بیمه اجتماعی از طریق پرداخت بخشی از حق بیمه گروه‌های هدف به تشخیص وزارت رفاه و تأمین اجتماعی را بیان نموده است. زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی کشور از تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۱ با معافیت از پرداخت حق بیمه به میزان حق بیمه کامل (با نرخ ۲۷ درصد) براساس حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار که از محل منابع حاصل از هدمندی یارانه‌ها تأمین می‌گردد، مشمول تعهدات قانونی مقرر در بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد شامل بازنشستگی، از کارافتادگی، فوت و خدمات درمانی قرار گرفته که در این راستا تاکنون ۱۱۷.۶۸۹ نفر از مزایای مربوطه برخوردار شده‌اند.

همچنین در مصوبه جلسات ۷۰۹ - ۷۱۰ - ۷۱۱ - ۷۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۲۲ - ۱۳۹۱/۰۲/۰۵ - ۱۳۹۱/۰۲/۱۹ - ۱۳۹۱/۰۳/۰۲ موضوع تعیین مشوق‌های فرزندآوری در بند «۱۳ - ۱۸» از ماده (۳۰) احتساب خانه‌داری به عنوان شغل و کمک به بیمه بازنشستگی زنان متأهل خانه‌دار با پرداخت بخشی از حق بیمه توسط دولت متناسب با درآمد خانواده تصویب شد.

قانون برنامه ششم نیز در بند «ب» ماده (۱۰۳) به طور صریح به بیمه زنان خانه‌دار برای زنان دارای حداقل سه فرزند پرداخت و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را متولی اصلی این امر نمود.

ماده (۲۱) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰/۷/۲۴ این تکلیف را بیان می‌دارد که دولت مکلف است حداکثر ۶ ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، با تقویت صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر نسبت به بیمه مادران خانه‌دار دارای سه فرزند و بیشتر اقدام نماید. درخصوص مادران غیرشاغل دارای سه فرزند و بیشتر ساکن مناطق روستایی و عشایری صددرصد (۱۰۰٪) حق بیمه توسط دولت پرداخت شود. با تولد فرزند چهارم و پنجم به ازای هر فرزند دو سال به سوابق بیمه‌ای بیمه‌گذار افزوده شود.

در حال حاضر زنان خانه‌دار کمتر از ۵۰ سال سن، واجد شرایط این نوع بیمه‌گذاری هستند.^۱ چنانچه سن متقاضی بیمه در زمان ثبت تقاضا بیش از ۵۰ سال باشد، پذیرش درخواست وی منوط به این است که قبلاً به همان تعداد سال حق بیمه پرداخته باشد. زنان خانه‌دار دارای حداقل ۱۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه بدون لحاظ شرط سنی می‌توانند به انعقاد قرارداد بیمه بپردازند. نرخ حق بیمه‌ها شامل نرخ ۱۴ درصد (۱۲ درصد سهم بیمه‌شده + ۲ درصد سهم دولت) شامل بازنشستگی و فوت بعد از بازنشستگی، نرخ ۱۶ درصد (۱۴ درصد سهم بیمه‌شده + ۲ درصد سهم دولت) شامل بازنشستگی و فوت قبل و بعد از بازنشستگی و نرخ ۲۰ درصد (۱۸ درصد سهم بیمه‌شده + ۲ درصد سهم دولت) شامل بازنشستگی، فوت و از کارافتادگی است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این نوع بیمه‌گذاری سهم دولت ۲ درصد بوده و ذیل بیمه حرف و مشاغل آزاد تعریف می‌گردد. پرداخت ۲ درصد حق بیمه مربوط به حمایت‌های موضوع بندهای «الف» و «ب» یا «ج» ماده (۳) و یک درصد حق بیمه موضوع ماده (۲۹)

۱. اخیراً این نوع بیمه‌گذاری‌ها تحت عنوان طرح بیمه فراگیر خانواده ایرانی نیز مطرح شده است.

قانون تأمین اجتماعی برعهده دولت خواهد بود. اخیراً شرایطی از سوی سازمان تأمین اجتماعی بیان شده که انتخاب دستمزد مبنای پرداخت حق بیمه نیز بر مبنای سن و سابقه پرداخت حق بیمه قبلی فرد صورت می‌پذیرد.^۱

بر اساس نظرسنجی صورت گرفته در خصوص بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار در سال ۱۳۹۱، ۹۲ درصد پاسخگویان از مقررات بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار اطلاع بسیار کمی داشته‌اند. ۷۴ درصد از پاسخگویان به مقدار زیاد و خیلی زیاد ابراز علاقه کرده‌اند که از مزایای بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار استفاده کنند. ۶۴ درصد نیز اعلام کرده‌اند که توانایی مالی آنها برای پرداخت حق بیمه کم یا خیلی کم است. ۵۳ درصد پاسخگویان اعتقاد داشته‌اند که زنان خانه‌دار به مقدار کم یا خیلی کم توانایی پرداخت حق بیمه با ضوابط فعلی را دارند.^۲

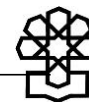
به نظر می‌رسد در عین رفع موانع مالی و قانونی در حمایت بیمه‌ای از زنان خانه‌دار بایستی جنبه‌های فرهنگی و اطلاع‌رسانی در این زمینه نیز مدنظر قرار بگیرد. در عین تمایل بالای زنان خانه‌دار به استفاده از حمایت‌های بیمه‌ای، با این حال درصد خیلی بالایی از این افراد، یعنی ۶۴ درصد پاسخگویان از نداشتن توانایی مالی برای پرداخت حق بیمه سخن گفته‌اند. این امر می‌تواند بیانگر این امر باشد که خصوصاً در طبقات متوسط رو به پایین، در صورت عدم حمایت دولت در پرداخت بخش عمده‌ای از زنان با چالش روبه‌رو خواهیم بود. چون عملاً در بخش عمده‌ای از زنان خانه‌دار امکان پرداخت منظم حق بیمه وجود ندارد.

۲-۲. جامعه هدف بیمه زنان خانه‌دار

– زنان خانه‌دار به‌طور عام: در خصوص بیمه زنان خانه‌دار در حال حاضر با چند دسته از زنان مواجه هستیم. از جمله: «زنان خانه‌دار متأهل تحت تکفل همسر بیمه‌شده»، «زنان خانه‌دار متأهل دارای همسر فاقد پوشش بیمه‌ای»، «زنان خانه‌دار سرپرست خانوار، بدسرپرست، خودسرپرست و... تحت پوشش نهادهای حمایتی»، «زنان خانه‌دار سرپرست خانوار، بدسرپرست، خودسرپرست فاقد پوشش نهادهای حمایتی»، «دختران مجرد هرگز ازدواج نکرده خانه‌دار» و «زنان خانه‌دار تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی». از میان حدود ۱۷ میلیون زن خانه‌دار متأهل، عده زیادی از نظر پوشش بیمه‌ای تحت تکفل همسر خود هستند و خدمات و حمایت‌های درمانی بیمه را دریافت می‌نمایند؛ لذا در صورت فوت همسر از مستمری بازماندگان برخوردار می‌گردند. جامعه هدف بیمه زنان خانه‌دار از یک منظر می‌تواند شامل موارد ذیل باشد: زنان خانه‌داری که میل به استقلال درآمدی و داشتن مستمری بازنشستگی در حین حیات همسر دارند؛ زنانی که همسر آنان فاقد هرگونه بیمه اجتماعی است؛ دختران مجرد هرگز ازدواج

1. <https://www.tamin.ir/news/1863.html>.

۲. رضایی و همکاران، ۱۳۹۱.



نکرده و زنان سرپرست خانوار، بدسرپرست و خودسرپرست که تحت پوشش نهادهای حمایتی نیستند.

– زنان خانه‌دار حداقل سه فرزند: از منظر دیگر و بنابر بند «ب» ماده (۱۰۳) قانون برنامه ششم توسعه، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف شده طرح لازم جهت ایجاد بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار دارای حداقل سه فرزند را فراهم و جهت تصمیم‌گیری قانونی ارائه نماید. در اینجا به‌طور خاص زنان خانه‌دار دارای حداقل سه فرزند به‌عنوان جامعه هدف در نظر گرفته شده‌اند.

بنابر آمارهای به‌دست آمده از سال ۱۳۹۶ به‌طور کلی تعداد «زنان خانه‌دار دارای سه فرزند»، حدود ۳.۸۰۰.۰۰۰ است که از این میزان حدود ۸۴ درصد آنها زنان خانه‌دار دارای سرپرست و فاقد بیمه اجتماعی هستند. حدود ۵/۲۶ درصد از آنان نیز زنان خانه‌دار سرپرست خانوار فاقد پوشش بیمه‌های اجتماعی هستند. از این میان، حدود ۱۰/۵۲ درصد از زنان خانه‌دار دارای بیمه اجتماعی و سه فرزند را تشکیل می‌دهند.

جدول ۲۱. زنان خانه‌دار دارای حداقل سه فرزند سال ۱۳۹۶

وضعیت زنان خانه‌دار	نفر	درصد
کل زنان خانه‌دار دارای سه فرزند	۳.۸۰۰.۰۰۰	۱۰۰
زنان خانه‌دار بدون بیمه اجتماعی به‌شرط سرپرست نبودن و دارای سه فرزند و بیشتر	۳.۲۰۰.۰۰۰	۸۴/۲۱
زنان خانه‌دار بدون بیمه اجتماعی به‌شرط سرپرست بودن و دارای سه فرزند و بیشتر	۲۰۰.۰۰۰	۵/۲۶
زنان خانه‌دار واجد بیمه اجتماعی و دارای سه فرزند	۴۰۰.۰۰۰	۱۰/۵۲

مأخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاونت رفاه.^۱

۲-۳. مقایسه بیمه‌شدگان زن سازمان تأمین اجتماعی

در سال ۱۳۹۹ تعداد ۱۰۱۵.۹۵۶ مرد حقوق‌بگیر صندوق‌های بازنشستگی و ۴۸۹.۱۴۹ زن حقوق‌بگیر صندوق‌های بازنشستگی گزارش شده‌اند.^۲ تا سال ۱۳۹۵ تعداد ۹۳.۴۷۷ نفر از زنان خانه‌دار و ۱۶۰.۰۶۵ زن سرپرست خانوار به‌طور خاص در این بیمه‌گذاری‌ها قرار دارند.

۱. نامه‌نگاری با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شماره ۱۴۴۲۶۰ سال ۱۳۹۶/۰۷/۲۹.

۲. نکته‌ای که بایستی یادآور شد این‌که اگر در فرایند سرشماری مرکز آمار که بر خوداظهاری استوار است، زنان بازنشسته نیز به‌عنوان خانه‌دار احتساب شده باشند، تعداد آنان میزان خیلی قابل توجهی نمی‌باشد و مثلاً حدود ۵۰۰ هزار نفر از ۲۱ میلیون زن خانه‌دار کسر می‌گردد.

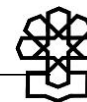
جدول ۲۲. جمعیت زنان بیمه‌شده در سازمان تأمین اجتماعی طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۸۰

نوع بیمه	۱۳۸۰	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵
بیمه شده اصلی (جمع اجباری / غیراجباری و بیکاری)	۵۰۶.۳۶۳	۱.۸۹۰.۸۰۹	۲.۱۲۱.۸۱۰	۲.۴۱۸.۸۷۸	۲.۴۳۳.۹۱۸	۲.۴۸۲.۱۸۹	۲.۵۶۰.۴۶۹
بیمه شده اجباری	۴۷۲.۳۶۳	۱.۳۱۹.۴۲۳	۱.۳۸۲.۴۴۲	۱.۵۵۵.۷۱۰	۱.۵۷۰.۰۱۰	۱.۶۵۸.۰۷۱	۱.۷۴۴.۴۶۳
بیمه شده غیراجباری: غیرمزد و حقوق‌بگیر (اختیاری)	۸۰۰۰	۸۷.۱۷۸	۱۲۷.۵۰۲	۱۶۰.۴۲۱	۱۵۶.۶۵۰	۱۵۹.۴۴۴	۱۶۰.۰۶۵
زنان خاتمه دار حرف و مشاغل آزاد							
زنان سرپرست خانوار							
سایر							
اختیاری	۱۹.۰۰۰	۲۶.۲۰۴	۳۲.۱۸۱	۳۳.۵۰۰	۳۶.۵۱۵	۳۷.۵۸۲	۳۸.۵۶۱
بافتدگان	-	۲۶۸.۴۹۹	۳۴۳.۴۴۷	۴۲۲.۲۰۳	۴۰۰.۴۵۳	۳۲۹.۹۴۸	۲۹۸.۱۵۲
راستدگان	-	۱۶۵۷	۲.۳۱۱	۲.۳۳۸	۲۳۹۸	۳۳۰۷	۳۱۱۱
سایر	-	۴۴	۹۰	۱۵۷	۱۰۱۴	۳۹۵۸	۲۲۸۸
توافقی	-	۸۹۲۶	۵.۵۶۶	۱۳.۶۳۰	۱۵.۳۹۲	۱۵.۰۵۲	۱۷.۹۹۱
جمع بیمه شده غیراجباری	۲۷.۰۰۰	۵۲۶.۰۳۱	۷۰۰.۶۰۳	۸۲۵.۷۴۸	۸۲۲.۹۸۵	۷۷۸.۱۵۴	۷۶۷.۹۰۲
بیمه بیکاری	۷.۰۰۰	۳۵.۳۵۵	۳۸.۷۶۵	۳۷.۴۲۰	۴۰.۹۲۳	۴۵.۹۶۴	۴۸.۵۰۴

مأخذ: سازمان تأمین اجتماعی.

سهم زنان از بیمه‌شدگان اصلی سازمان تأمین اجتماعی از ۶/۲ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۱۹ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است. در حالی که این سهم برای مردان از ۹۳/۸ درصد به ۸۱ درصد بوده است. زنان مشمول بیمه خاص از ۱۳ درصد در مقابل ۸۷ درصد مردان در سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ به دلیل تسهیل در مقررات، مقابل ۷۷ درصد مردان در سال ۱۳۹۲ رسیده است. از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ به دلیل تسهیل در مقررات، سهم زنان در بیمه حرف و مشاغل آزاد از ۹ درصد به حدود ۴۶ درصد رسید و البته سهم مردان از ۹۲ درصد به ۵۵ درصد کاهش دارد.^۱ از آنجایی که اکثریت سرپرستان خانوار مرد و شاغل هستند، تمرکز بیشتر نظام بیمه‌ای کشور بر بیمه نمودن آنان بوده است.

۱. گزارش وضعیت زنان و خانواده در آینه آمار طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۰.



جدول ۲۳. وضعیت سنی / اشتغال زنان ۱۳۹۹

کل وضعیت اشتغال / بازنشستگی	دهک واریز ۴ سال	۱. زیر ۱۸ سال	۲. بین ۱۸ تا ۲۵ سال	۳. بین ۲۵ تا ۵۰ سال	۴. بین ۵۰ تا ۶۵ سال	۵. بالای ۶۵ سال
فاقد بیمه‌پردازی / مستمری	۱۰	۸۸۸۸۱۰	۳۰۰۴۰۴	۱۳۴۳۹۷۷	۵۳۷۶۱۰	۱۸۴۰۹۴
	۹	۹۶۹۶۰۲	۳۳۰۷۲۳	۱۴۲۸۳۶۵	۵۲۳۱۳۱	۱۸۰۴۵۴
	۸	۹۵۲۰۰۳	۳۳۹۳۰۸	۱۴۵۱۰۸۶	۵۱۸۸۶۷	۱۸۷۲۱۶
	۷	۱۰۴۰۸۰۴	۳۶۶۶۸۸	۱۵۵۴۹۶۵	۵۰۱۶۴۷	۱۸۹۴۱۸
	۶	۱۱۲۷۸۰۳	۳۸۹۳۸۶	۱۶۲۵۹۶۴	۴۶۹۴۸۵	۱۹۵۰۰۳
	۵	۱۲۰۱۱۸۵	۴۰۰۳۹۹	۱۶۴۳۹۸۹	۴۲۱۵۶۳	۱۹۷۱۷۸
	۴	۱۳۱۱۱۰۲	۴۱۱۵۶۷	۱۶۶۹۹۸۳	۳۷۱۶۰۶	۱۸۷۰۶۷
	۳	۱۴۱۵۲۵۱	۴۰۰۸۷۸	۱۶۴۳۳۷۵	۳۰۴۴۶۳	۱۶۵۶۸۱
	۲	۱۲۹۶۸۹۱	۳۰۵۹۵۲	۱۳۴۹۱۰۲	۲۱۹۷۶۰	۱۶۸۸۱۴
	۱	۵۳۹۶۴۵	۸۶۹۷۲	۳۹۸۹۹۶	۹۸۳۷۰	۱۹۶۵۷۴
جمع کل		۱۰۷۳۳۰۹۶	۳۳۳۲۲۷۷	۱۴۱۰۹۸۰۲	۳۹۶۶۵۰۲	۱۸۵۱۴۹۹

مأخذ: پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

طبق داده‌های مرکز آمار تعداد زنان خانه‌دار از میان جمعیت غیرفعال ۱۰ سال و بالاتر تعیین می‌شوند، بنابراین در این جدول که توسط معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه شده، به دلیل تفکیک سنی صورت گرفته زنان را از سن ۱۸ سال به بعد مورد نظر قرار می‌دهیم. از میان زنان ۱۸ ساله به بالا در سال ۱۳۹۹ حدود ۲۳ میلیون فاقد بیمه‌پردازی و مستمری هستند. اگر سن بیمه‌پردازی را در اینجا از ۱۸ تا ۵۰ سال در نظر بگیریم، حدود ۱۷ میلیون نفر زن خانه‌دار فاقد بیمه‌پردازی در این سنین داریم. شایان ذکر است به دلیل اینکه عنوان فاقد بیمه‌پردازی و مستمری در جداول ارسالی از معاونت رفاه وزارت تعاون وجود دارد؛ لذا می‌توان درصد اندکی از این تعداد را به عنوان زنان شاغل فاقد بیمه‌پردازی هم احتساب نمود. اکثریت این افراد نیز در ۵ دهک پایین درآمدی قرار دارند.

۴-۲. زنان سرپرست خانوار خانه‌دار

بنابر جدول ذیل در سال ۱۳۹۹ تعداد ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر (حدود ۵۷ درصد) از زنان سرپرست خانوار دارای بیمه‌پردازی یا بازنشسته مستمری‌بگیر بوده و یک میلیون و ۹۰۰ هزار نفر (حدود ۴۲ درصد) نیز فاقد هرگونه بیمه‌پردازی و بازنشستگی هستند. این موارد شامل زنان سرپرست خانوار شاغل، غیرشاغل یا خانه‌داری هستند که هیچ نوع بیمه‌پردازی نداشته‌اند.

همچنین از میان بیمه‌شدگان غیراجباری سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۷ تعداد ۱۳۴۴۴۹ نفر زنان سرپرست خانوار بوده‌اند و سهم کمک دولت از آنان به میزان ۱۰ درصد و حق بیمه نیز ۱۸ درصد است. عده‌ای از زنان سرپرست خانوار، خودسرپرست، بدسرپرست و نیازمندی که به دلیل طلاق از

همسران خود جدا شده‌اند، تحت پوشش بیمه‌های کمیته امداد امام خمینی(ره)، سازمان بهزیستی و بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار دارند و تاکنون ۱۱۷.۶۸۹ نفر از این مزایا برخوردار شده‌اند. افراد فاقد بیمه‌پردازی خصوصاً در دهک‌های پایین‌تر به‌طور خاص بایستی مورد توجه قرار گیرند.

جدول ۲۴. وضعیت اشتغال / بازنشستگی زنان سرپرست خانوار

کل وضعیت اشتغال / بازنشستگی		
دهک واریز ۴ سال	دارای بیمه‌پردازی / مستمری	فاقد بیمه‌پردازی / مستمری
۱	۲۱۱۹۵۹	۱۸۹۴۸۷
۲	۴۴۸۹۶۸	۳۳۷۷۴۷
۳	۳۰۸۲۴۶	۲۴۵۰۲۱
۴	۳۱۳۶۱۲	۲۱۱۳۵۴
۵	۳۱۶۰۲۷	۲۰۹۵۴۸
۶	۲۸۲۱۱۷	۲۰۱۵۳۲
۷	۲۶۲۶۵۶	۱۸۷۱۰۲
۸	۲۴۰۴۹۱	۱۷۰۷۹۰
۹	۱۹۲۰۷۱	۱۳۸۰۹۰
۱۰	۱۱۵۹۳۵	۹۵۵۷۵
جمع کل	۲۶۹۲۰۸۲	۱۹۸۶۲۴۶

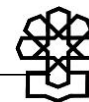
مأخذ: همان.

بنابر داده‌های آماری کل کشور تعداد یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر یعنی حدود ۴۰ درصد از زنان سرپرست خانوار خانه‌دار هستند و بیشتر این تعداد یعنی حدود ۴۴ درصد از آنان فاقد فرزند، ۲۸ درصد تک‌فرزند، ۱۸ درصد دارای دو فرزند، ۷ درصد سه فرزند، ۲ درصد چهار فرزند و یک درصد دارای پنج فرزند و بیشتر هستند. از آنجایی که زنان سرپرست خانوار سهم اندکی در حمایت‌های بیمه‌ای دارند، می‌توان حداقل بخشی از زنان سرپرست خانوار خانه‌دار را در برنامه‌ریزی‌های بیمه‌ای مدنظر قرار داد.

جدول ۲۵. تعداد کل زنان ۱۰ساله و بیشتر سرپرست خانوار خانه‌دار برحسب تعداد فرزند و وضع سکونت

غیرساکن	روستایی	شهری	کل کشور	درصد	تعداد فرزند
۸۳۵	۵۱۶۶۹۷	۱۳۷۳۸۷۴	۱۸۹۱۴۰۶	۱۰۰	جمع
۳۲۵	۲۴۸۷۳۹	۵۸۳۰۵۵	۸۳۲۱۱۹	۴۳/۹۹	۰
۲۴۰	۱۲۶۵۴۹	۳۹۵۵۷۲	۵۲۲۳۶۱	۲۷/۶۱	۱
۱۶۰	۷۹۷۰۵	۲۵۱۶۸۷	۳۳۱۵۵۲	۱۷/۵۲	۲
۷۳	۳۷۶۰۰	۹۶۸۹۶	۱۳۴۵۶۹	۷/۱۱	۳
۲۹	۱۵۳۳۱	۳۱۷۹۳	۴۷۱۵۳	۲/۴۹	۴
۸	۸۷۷۳	۱۴۸۷۱	۲۳۶۵۲	۱/۲۵	پنج فرزند و بیشتر

مأخذ: مرکز آمار ایران.



ماده (۲۱) قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» زنان خانه‌دار روستایی دارای سه فرزند و بیشتر را تحت حمایت قرار خواهد داد. بنابراین زنان سرپرست خانوار خانه‌دار روستایی دارای سه فرزند و بیشتر نیز که تحت پوشش نهادهای حمایتی نباشند مورد شمول آن قانون قرار می‌گیرند.

۵-۲. ارزشگذاری اقتصادی فعالیت‌های خانه‌داری زنان

یک استدلال مرسوم در زمینه حمایت از زنان خانه‌دار توجه به ارزشگذاری اقتصادی خانه‌داری است که در ادامه به تبیین بیشتر و نقد آن می‌پردازیم. تولید زنان خانه‌دار در منزل به‌عنوان نوعی از تولیدات پنهان جامعه در محاسبات ملی نادیده گرفته می‌شود.^۱ در تعاریف آماری زنان خانه‌دار جزء جمعیت غیرفعال محسوب می‌شوند و این واژه حائلی است میان آنان و نظام اقتصادی - اجتماعی، به‌طوری که احساس خلأ از حیث تأثیرگذاری در امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارند. همان‌طور که اشاره شد، یک رویکرد قائل به این است که زنان خانه‌دار تأمین‌کننده نیازهای اساسی نیروی کار فعال جامعه هستند و تأثیرات روحی، روانی و فرهنگی زنان خانه‌دار بر فرزندان‌شان به‌عنوان همسر و مادر بر کسی پوشیده نیست؛ لذا معتقدند بایستی ارزش کار خانگی آنان در تولید ناخالص داخلی محاسبه گردد. حتی گاه از مهم‌ترین مشکلات پیش روی زنان خانه‌دار، پذیرفته نشدن خانه‌داری به‌عنوان شغل مطرح شده است.^۲ بنابر یک تحقیق در سال ۱۳۷۳ ارزش‌افزوده طبخ غذا به‌عنوان فعالیت رایج خانه‌داری حدود ۱۵ هزار میلیارد ریال در تولید ناخالص ملی بوده است.^۳ جهت محاسبه ارزش کار خانگی زنان برآورد و تخمین اموری مانند خانه‌داری، حمل‌ونقل، تغذیه، شستشو، نگهداری از کودکان، نقش واسطه‌ای در مصرف، زمان انجام کار و... ضروری است. دو روش رایج در محاسبه ارزش کار خانگی زنان خانه‌دار مبتنی بر روش «هزینه عملکرد فردی»^۴ و «روش هزینه فرصت»^۵ مطرح می‌گردد. روش هزینه عملکرد فردی هریک از فعالیت‌های خانگی زنان را با توجه به قیمت بازار ارزشیابی می‌کند و روش هزینه فرصت کل زمان صرف شده را از یک سو و هزینه فرصت یعنی دستمزد فعالیت‌های انجام شده را از سوی دیگر محاسبه می‌نماید.^۶

در زمینه کار خانگی زنان می‌توان این نکته را یادآور شد که کار خانه‌داری تولید درآمد می‌کند، ولی این درآمد پنهان است و هزینه پنهانی را هم برای زنان خانه‌دار به‌همراه خواهد داشت. اگر زن خانه‌دار به هر دلیلی این کار را انجام ندهد، خانواده ناگزیر می‌شود با پرداخت هزینه، فردی را به استخدام در بیاورد و به او دستمزد پرداخت کند؛ در صورتی که خانه‌داری زن و انجام برخی کارها در خانه این

۱. میرجلیلی، ۱۳۸۴.

۲. رضایی و همکاران، ۱۳۹۱.

۳. جزنی، ۱۳۸۳.

4. IFC

5. HOC

۶. جزنی، ۱۳۸۳.

هزینه را از سبد مخارج خانواده حذف می‌کند. حتی عده‌ای بر این باورند که کار خانهداری زنان به سبب تولید ارزش افزوده اقتصادی بایستی یک فعالیت اقتصادی محسوب شده و زنان فعال اقتصادی به حساب بیایند و عنوان بیکار به آنان اطلاق نگردد. بنابر تحقیقی که در سال ۱۳۷۹ انجام شد نشان داد، کل ارزش افزوده تولید شده توسط اعضای خانواده در این سال به میزانی بود که بالغ بر ۶۵ درصد آن توسط زنان خانه‌دار، ۱۵ درصد مردان خانه، ۱۱ درصد فرزندان و ۰/۹ درصد توسط سایر اعضای خانواده تولید می‌شد. بیشترین ارزش افزوده ایجاد شده شامل پخت‌وپز و تهیه غذای روزانه و بعد شستشو و تمیز کردن منزل بود.^۱

اگرچه به نظر می‌رسد بررسی نقش واقعی زنان خانه‌دار در چرخه تولید و فعالیت‌های اقتصادی و یافتن روش‌هایی برای منظور نمودن ارزش کار خانگی زنان در تولید ناخالص داخلی و مانند آن اهمیت دارد؛ اما چنین امری آورده مالی خاصی را برای زنان خانه‌دار به همراه نداشته است. به عبارت دیگر لحاظ نمودن کار خانگی زنان و مردان در تولید ناخالص داخلی تنها منجر به افزایش رتبه اقتصادی کشورها به دلیل احتساب در تولید ناخالص ملی می‌شود و به خودی خود آورده ذهنی و عینی برای زنان خانه‌دار به همراه نخواهد داشت. عده‌ای پیشنهاد احتساب کار خانگی زنان در حساب‌های اقماری ملی را پیشنهاد می‌دهند و باز هم چنین رویکردی عایدی خاصی برای زنان خانه‌دار ندارد. به نظر می‌رسد اگر بخواهیم در زمینه ارزشگذاری کار خانگی زنان به لحاظ فرهنگی اقدام نماییم، احتساب در تولید ناخالص داخلی تنها علاج این مسئله نیست و نیاز به فرهنگ‌سازی از طرق دیگر است.

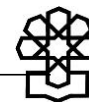
۲-۶. بیمه زنان خانه‌دار در سایر کشورها

به دلیل تفاوت‌های فرهنگی در زمینه الگوی اشتغال و خانهداری زنان، نظام بیمه‌ای در سایر کشورها به طور خاص به این امر اختصاص نیافته و معمولاً ذیل حمایت‌های بیمه‌ای فراگیرتر اشاره‌ای به بیمه زنان خانه‌دار هم شده است.

کشور فرانسه در زمینه بیمه و دریافت حقوق بازنشستگی برای برخی گروه‌ها اقدامات مهمی را به انجام می‌رساند. این حمایت‌ها به سه عامل بستگی دارند: حقوق پایه یا متوسط سالیانه، نرخ بازپرداخت تعیین شده با توجه به دوره‌های بیمه و دوره‌های معادل آن که بنابر سن زمان مطالبه تعیین می‌گردد. حقوق امنیت اجتماعی در فرانسه ۲۷ دسته‌بندی دارد (افراد ناتوان در کار، زنان خانه‌دار دارای حداقل سه فرزند و مواردی از این دست). میزان حقوق بازنشستگی نیز برای آنان ممکن است بنابر برخی ضوابط با نرخ‌های افزایشی مختلفی همراه باشد. به عنوان مثال: افزایش به ازای یک کودک، افزایش به ازای ازدواج و تکفل همسر و افزایش کمک برای شخص ثالث.^۲

۱. لہسانی‌زاده، ۱۳۸۰.

۲. <https://www.cleiss.fr>



دولت در این زمینه به این افراد تخفیف‌های متنوعی را اختصاص می‌دهد.^۱ در کشور سوئیس دولت فدرال حاکم است و هریک از استان‌ها قوانین مربوط به خود را دارند. در این کشور بیمه درمان اجباری است و درخصوص بیمه اجتماعی افراد غیرشاغل مانند زنان خانه‌دار، اگر افراد تمکن مالی پرداخت بیمه ندارند، می‌توانند یارانه را از دولت دریافت نمایند و حق بیمه بپردازند. این حمایت‌ها از یک استان به استانی دیگر متفاوت هستند.^۲

نکته مهمی که درخصوص بیمه زنان خانه‌دار در سایر کشورها بایستی به آن توجه نمود اینک نظام و ساختار بیمه‌ای در سایر کشورها تفاوت‌های اساسی با نظام بیمه‌ای کشور ما دارد. توجه به این مسئله مقایسه تطبیقی در این زمینه را قدری دچار ابهام می‌نماید. در بیشتر کشورها، دولت‌ها به سمت حمایت و خدمات‌دهی به افراد فاقد بیمه‌های اجتماعی رفته‌اند و در این زمینه نیز نه تنها زنان خانه‌دار، بلکه هر فردی را که تمایل به بیمه شدن داشته باشد، ذیل خدمات خود قرار می‌دهند. ضمن اینکه کشورها به لحاظ ارزشگذاری در زمینه خانه‌داری زنان متفاوت بوده و ممکن است جنبه‌های مراقبتی و تربیتی مادران را در منزل کمتر مورد توجه قرار دهند.

۳. بخش تحلیلی

۳-۱. چالش‌های اجرایی بیمه زنان خانه‌دار

بیمه زنان خانه‌دار در حال حاضر به دلایلی با موفقیت روبه‌رو نبوده است. به‌طور کلی دو دسته عوامل در حصول این شرایط و عدم توفیق نظام سیاستگذاری عمومی در زمینه بهبود رفاه اجتماعی و ازجمله این موضوع مؤثر بوده‌اند.

بنابر شرایط کلان ازجمله اینکه تولید سرانه کشور در سال ۱۳۹۸ حدود ۱۳ درصد کمتر از سال ۱۳۹۰ و میانگین نرخ تورم در ۴۰ سال گذشته ۲۰ درصد و در ۲۰ سال اخیر ۱۸ درصد بوده است (در حالی که متوسط تورم جهانی در این دوره‌ها به ترتیب ۱۰ و ۴ درصد گزارش شده است). همچنین با توجه به وضعیت نامناسب نرخ بیکاری و سایر مؤلفه‌های اساسی مرتبط با معیشت و رفاه مردم، بهبود خدمات اجتماعی و رفاهی و برقراری عدالت کامل در این زمینه انتظار واقع‌بینانه‌ای نیست. از طرفی ازجمله مهم‌ترین دلایل عدم استقبال و توفیق این بیمه، «وضعیت درآمدی زنان خانه‌دار»، «بالا بودن سهم بیمه‌شونده»، «فقدان مکانیسم بیمه‌ای فراگیر» و «نداشتن ردیف بودجه‌ای پایدار» بیان می‌شود.^۳ پیش‌بینی منابع مالی مورد نیاز برای بیمه زنان خانه‌دار ازجمله عوامل جدی است و البته در عین حال بایستی سازوکارها و شیوه‌های اجرایی ساختن این نوع بیمه‌گذاری نیز به‌طور اساسی طراحی گردد.

گزارش عملکرد قانون برنامه ششم توسعه نیز نشان می‌دهد که پیش‌بینی‌ها جهت رفع موانع اجرایی این مسئله با موفقیت روبه‌رو نبوده و حتی در این گزارش‌ها برخی از چالش‌های مذکور را به‌روشنی مورد تأکید قرار داده است.^۱

۱-۳. محدودیت منابع دولت و فقدان اختصاص بودجه و اعتبارات پایدار

بیمه زنان خانه‌دار از سال ۱۳۷۸ مورد مطالبه قرار گرفته و حاکمیت به‌دلیل محدودیت‌های منابع مالی، اقدام قانونی یا عملی حداکثری را در این زمینه اعمال نکرده است. وضعیت صندوق‌های بازنشستگی به‌لحاظ مالی و تعداد بالای مستمری‌بگیران، آنها را با محدودیت‌هایی در زمینه اعمال این سیاست‌ها مواجه نموده است. از طرفی از سال‌های گذشته ایده بیمه پایه (فراگیر) دنبال می‌شود که درصدد استفاده از منابع مالی برای بیمه نمودن تمامی سرپرستان خانوار شاغل بدون بیمه اجتماعی بوده تا به‌نحو منطقی‌تری تقسیم این منابع صورت گیرد، اما تا به حال قانونی در این زمینه به تصویب نرسیده است. از مجموع ۱۷ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بیمه‌شده در کل کشور بالغ بر ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر، (۲۶ درصد کل بیمه‌پردازان کشور) با کمک و حمایت دولت تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند. برای سایر بیمه‌شدگان نیز سهم دولت از ۲۰ درصد تا ۳ درصد متغیر است. بار مالی حمایت مذکور تا حدی بوده که دولت طی سال‌های گذشته نتوانسته به تعهدات خود عمل نماید. از طرفی کارشناسان معتقدند بیمه‌های اجتماعی بایستی ذیل یک نظام واحد و با رعایت عدالت در بهره‌مندی ذی‌نفعان اعمال گردند.^۲

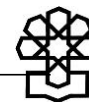
در سال‌های گذشته پیشنهاد تدوین اساسنامه صندوق بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار به جهت ممنوعیت ایجاد صندوق جدید و بار مالی برای دولت تأیید نگردید. بعدها پیشنهاد اضافه نمودن زنان خانه‌دار به مشمولین صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر هم مطرح شد و همین امر نیز با مخالفت‌ها و ناملایماتی در اجرا روبه‌رو شد. پیشنهاددهندگان معتقد بودند شباهت‌هایی میان زنان خانه‌دار با افراد مشمول این صندوق به‌لحاظ فقدان کارفرما و تعهدات بیمه‌ای وجود دارد که می‌تواند از

۱. در گزارش عملکرد قانون برنامه ششم توسعه سال ۱۳۹۶ درخصوص بیمه زنان خانه‌دار آمده است: در بخش برآورد مالی که برای طرح ایجاد بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار حداقل دارای سه فرزند (موضوع بند «ب» ماده (۱۰۳)) انجام شده است مشمولین می‌توانند از طریق آیین‌نامه تبصره ماده (۸۱) تحت پوشش بیمه اجتماعی قرار بگیرند. وزارت تعاون دو سناریو با احتساب تقریبی بار مالی برای پوشش بیمه زنان خانه‌دار دارای حداقل سه فرزند و بیشتر مشخص نموده است: الف) صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر، ب) استفاده از بیمه اجتماعی فراگیر که هم‌اکنون لایحه آن در کمیسیون اصلی اجتماعی دولت در حال بررسی است.

در گزارش عملکرد برنامه ششم در سال ۱۳۹۷ نیز پیشنهاد وزارت تعاون مبنی بر ایجاد پوشش بیمه‌ای برای این گروه از زنان از طریق بیمه اجتماعی فراگیر مطرح شده که پیش‌نویس آیین‌نامه بیمه اجتماعی فراگیر نیز تهیه و به‌دلیل بار مالی مسکوت مانده است.

گزارش عملکرد سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۳۹۷ پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی نظام تأمین اجتماعی چند لایه را به‌منظور ایجاد پوشش بیمه‌ای برای گروه‌های غیر مزد و حقوق‌بگیر ازجمله زنان خانه‌دار تدوین نمود به‌طوری که کلیه افرادی که مشمول بیمه اجتماعی اجباری نباشند با اولویت افراد بازتوان شده و زنان خانه‌دار فاقد پوشش بیمه‌ای تحت پوشش بیمه اجتماعی پایه قرار گیرند. آیین‌نامه مذکور گرچه در راستای تحقق ماده (۸۱) قانون برنامه ششم توسعه بود، لکن مفاد بند «ب» ماده (۱۰۳) قانون مذکور را نیز مبنی بر پوشش بیمه‌ای زنان خانه‌دار محقق می‌ساخت. پیش‌نویس آیین‌نامه موصوف به کمیسیون امور اجتماعی دولت مطرح و مقرر شد سازمان برنامه و بودجه نسبت به بار مالی آیین‌نامه یادشده راهکارهای اجرایی لازم را به کمیسیون مربوطه ارائه نماید که تاکنون بار مالی اجرای آیین‌نامه فوق از سوی سازمان مربوطه پیش‌بینی نشده است.

۲. جزوه تنظیم بخشی از مقررات برای تحقق نظام متمرکز تأمین اجتماعی، دی ماه ۱۳۹۹. پیش‌نویس.



آسیب ایجاد صندوق جدید جلوگیری نماید. اما همان طور که اشاره شد این تصمیم نیز مورد اقبال قرار نگرفت. در بعضی سال ها مانند سال ۱۳۹۲، با وجود اختصاص اعتبار خاص، بودجه اختصاص داده شده صرف اجرای موضوع این ماده نشد.

۲-۱-۳. بیمه زنان خانه دار و نسبت آن با بیمه فراگیر

از نظر قانون، پوشش بیمه اجتماعی برای همه آحاد جامعه حقی همگانی تلقی شده است. در ماده (۸۱) قانون برنامه ششم توسعه دولت مکلف به تدوین برنامه، برقراری، استقرار و روزآمدسازی نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی چندلایه مبتنی بر حوزه امدادی، حمایتی و بیمه های اجتماعی است. ماده (۵۷) قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور بر پیاده سازی و استقرار نظام تأمین اجتماعی چندلایه تأکید نموده و در جزء «۴» بند «الف» این ماده تهیه، تدوین و اجرای بسته های سیاستی بیمه های اجتماعی مبتنی بر ایجاد زمینه جلب مشارکت بیشتر ذی نفعان در تأمین مالی خدمات اجتماعی از طریق افزایش ضریب بیمه های اجتماعی درمانی و بازنشستگی را در کشور بیان می کند. برنامه ریزان در زمینه بیمه فراگیر معتقدند اهم چالش ها و مشکلات اساسی نظام بیمه اجتماعی کشور در چند زمینه قابل بررسی است: اولاً؛ عدم پوشش فراگیر و سطح پایین پوشش جمعیت غیر مزد و حقوق بگیر و ثانیاً؛ نابسامانی در حمایت های بیمه ای دولت.^۱ در حال حاضر از میان ۲۴ میلیون شاغل، حدود ۱۷ الی ۱۷ و نیم میلیون نفر دارای بیمه های اجتماعی بوده و حدود ۷ میلیون نفر از هرگونه پوشش بیمه اجتماعی محروم هستند و هدف بیمه اجتماعی پایه (فراگیر) تحت حمایت قرار دادن این افراد در قالب های مختلف است.

در سال ۱۳۹۵ معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در ماده (۴) پیش نویس آیین نامه اجرایی بیمه زنان خانه دار، پیشنهادی را ذیل این عنوان مطرح نمود: «وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است به منظور گسترش پوشش بیمه های اجتماعی، کلیه افرادی که مشمول بیمه اجباری نباشند را با اولویت افراد بازتوان شده به خصوص زنان سرپرست خانوار و زنان خانه دار تحت پوشش نهادهای حمایتی و رعایت مفاد آیین نامه تحت پوشش بیمه اجتماعی فراگیر (خاص غیر مزد و حقوق بگیران) قرار دهد. صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر مکلف به اجرای این آیین نامه است». این ماده پیشنهادی نیز بر زنان خانه دار تحت پوشش نهادهای حمایتی تأکید داشت که در دستور کار قرار نگرفت و سازمان برنامه و بودجه به دلیل محدودیت های منابع مالی آن را نپذیرفت.^۲

۳-۱-۳. ارزش انگاری اقتصادی یا احتساب خانه داری به عنوان شغل

عده ای علت محدودیت های حمایت اجتماعی از زنان خانه دار را عدم احتساب ارزش اقتصادی خانه داری زنان در تولید ناخالص داخلی یا حساب های اقماری می دانند. درخصوص خانه داری زنان نکته ای که بایستی مدنظر قرار داد این است که اگر خانه داری به عنوان شغل با ارزش گذاری اقتصادی در نظر گرفته

شود، باز هم چالش‌های بیمه زنان خانه‌دار پابرجا خواهد بود؛ زیرا در حال حاضر صاحبان حرف و مشاغل آزاد با همان مسائل از نظر بیمه اجتماعی مواجه هستند و بنابر آمار سال ۱۳۹۲ تنها ۱۰ درصد از صاحبان حرف و مشاغل آزاد کشور مورد بیمه‌گذاری قرار گرفته‌اند. اگر شوهر را نیز به‌عنوان کارفرما به حساب آوریم، ممکن است موجب فروکاستن و مادی‌انگاری ارزش والای نقش همسری و مادری زن در خانواده شود و از سوی دیگر فشار اقتصادی هزینه‌ای که شوهر برای پرداخت حق بیمه زن می‌پردازد، به کل خانواده وارد می‌گردد.

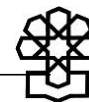
در صورتی که ارزش کار خانگی زنان در محاسبه تولید ناخالص داخلی احتساب شود؛ با این حال در اقتصادهای متکی بر نفت پرداخت خدمات رفاهی با موانع مختلفی روبه‌رو خواهد بود و محدودیت‌های مالی دولت اجازه چنین بار مالی را نمی‌دهد. به عبارت دیگر کار خانگی به‌عنوان یک امر عینی اتفاق می‌افتد؛ در حالی که ارزش آن به‌عنوان امری پنهان در اقتصاد لحاظ می‌گردد. به‌عنوان مثال ارزش پختن غذا ممکن است در تولید ناخالص داخلی محاسبه شود، ولی در اینجا نقدینگی و هیچ نوع اعتبار مالی به سود زنان جابه‌جا نشده و فقط به‌صورت ذهنی ارزش اقتصادی به تولید ناخالص داخلی افزوده می‌شود. بنابراین دولت‌ها برای صرف عایدی یا خدمات اجتماعی کامل به تمامی زنان خانه‌دار با چالش مواجه می‌شوند.

۳-۱-۴. عدم اجماع در برنامه‌ریزی و رویه‌ها

یک عامل جدی عدم موفقیت چنین مطالباتی برنامه‌ریزی‌های متناقض و نامنظم تصمیم‌گیران امر بوده است. اگر ابتدای امر به جای مطرح شدن در قالب مصوبه هیئت دولت، این پیشنهاد در قالب لایحه از سوی دولت مطرح می‌شد و در مجلس شورای اسلامی به تصویب می‌رسید، در این حالت حدود و ثغور حمایت روشن و با چالش‌های اجرایی کمتری در سال‌های بعد مواجه بود. به این دلیل که چنین تصمیمی به‌نحو بسیار مبهم، با ندیدن سازوکارهای اجرایی و با اتخاذ روشی کاملاً خنثی (استفاده از ظرفیت بیمه‌ای حرف و مشاغل آزاد) مورد اجرا قرار گرفت و عملاً با شکست مواجه شد. اگر نظام تقنینی کشور جهت تدوین قانون در این زمینه تلاش می‌نمود، در صورت داشتن ابهامات اجرایی، در مجلس مورد تصویب قرار نمی‌گرفت. این در حالی است که بجز قانون بودجه که به‌طور سالیانه نوشته می‌شود و مصوبه هیئت دولت یا هیئت مدیره سازمان تأمین اجتماعی، در این زمینه متن قانونی مشخصی نداریم. حتی با مطرح شدن بیمه زنان خانه‌دار در قانون برنامه ششم توسعه نیز این مشکل مرتفع نشد؛ زیرا آیین‌نامه اجرایی تدوین نگردید و ضمانت اجرایی آن با محدودیت مواجه شد. همچنین وحدت رویه میان دستگاه‌های متولی امر و امکان‌سنجی اجرای سازوکارهای اعلامی صورت نگرفت.

۳-۱-۵. چالش‌های نظری و نخبگانی

تفاوت‌های گفتمانی در خصوص الگوی خانه‌داری و اشتغال زنان مناقشات نظری مختلف را رقم زده است. ایده عدالت جنسیتی، مشارکت اقتصادی زنان، حمایت از زنان خانه‌دار و مانند آن بیشتر دستخوش این



تفاوت‌های گفتمانی شده و عملاً در این زمینه اجماع نخبگانی وجود ندارد. عده‌ای از اندیشمندان و فعالان حوزه زنان و خانواده هر نوع استقلال مالی زن به واسطه اشتغال، دریافت مستمری و مانند آن را موجب تعارضات خانوادگی و شغلی در حال یا آینده می‌دانند و از طرف دیگر برخی چنین آسیب‌هایی را متصور نیستند.^۱ دال مرکزی سیاست‌های اعلامی درخصوص اشتغال زنان، علاوه بر تأکید بر حق اشتغال زن، مبتنی بر اولویت مادری، قداست آن و نقش همسری است. به‌طور کلی تعارضات گفتمانی و نظری نخبگان و اندیشمندان حوزه زنان و خانواده از عوامل اساسی این اختلافات به‌شمار می‌آید.

۳-۱-۶. تأکید صرف بر حمایت بیمه‌ای

یکی از مهم‌ترین عوامل عدم موفقیت سیاست‌های یادشده تأکید صرف طرفداران حمایت از زنان خانه‌دار بر مدل بیمه‌ای و عدم ارائه مدل‌های تکمیلی‌تر یا حتی جایگزین آن است. شاید بتوان گفت عدم موفقیت بیمه زنان خانه‌دار به دلیل نداشتن درآمد و همچنین ناشی از تصمیمات تک‌بعدی این‌چنینی باشد. به‌طور کلی زنان و خصوصاً مادران دارای مشکلات مختلفی در زمینه درمان، حمایت‌های دوران بارداری و فرزندآوری، مراقبت‌های پس از زایمان و... هستند. برنامه‌ریزی و تدوین سازوکارهای رسیدن به عدالت حداکثری در این زمینه ضروری بوده و صرفاً با بیمه اجتماعی مرتفع نمی‌گردد. گاه نیز زنان نیازهای آنی خود را در اولویت بیشتری قرار می‌دهند؛ لذا همین امر بایستی مورد توجه قانونگذاران قرار گیرد.

۳-۱-۷. عدم حمایت زنان (اولویت مردان)

در حال حاضر با این مسئله مواجه هستیم که توجه به عاملیت مرد خانواده و اولویت سرپرستان خانوار در حمایت‌های اجتماعی مطرح می‌شود. برخی کارشناسان این چالش را بیان می‌دارند که اگر مرد خانه به‌عنوان سرپرست خانوار تحت حمایت بیمه‌های اجتماعی نباشد یا از درآمد کافی برخوردار نباشد، بیمه نمودن یا اختصاص درآمد به وی از اولویت بیشتری برخوردار است. به‌عبارتی در صورت بیمه شدن، عائله نیز ذیل بیمه اجتماعی قرار می‌گیرند و به این ترتیب به ضرورت بیمه شدن زنان خانه‌دار خدشه وارد می‌نمایند. آنان معتقدند اولویت سرپرست خانواده بوده و اگر زن سرپرست خانوار هم لحاظ نماییم با بیمه‌گذاری این خدمات کامل می‌گردد.

در این رویکرد جنسیتی دیدن خدمات اجتماعی رفاهی مورد اشکال بوده و این افراد اعتقادی به قشربندی خدمات بیمه‌ای ندارند. درواقع طرفداران این ایده بر پوشش بیمه‌ای فراگیر (پایه) تأکید دارند و چنین راهکاری را در صورت دیدن سازوکارهای مالی به‌عنوان بهترین راه‌حل می‌دانند.

۳-۱-۸. اتکا به درآمد خانوار و فاقد درآمد بودن زنان خانه‌دار

همان‌طور که اشاره شد یک عامل جدی عدم موفقیت بیمه زنان خانه‌دار در بیست و چند سال گذشته،^۲ افت‌وخیزهای مختلف این تصمیم، اعتبارات اندک و فاقد درآمد بودن زنان خانه‌دار است. زنان خانه‌دار

۱. درگاهی و همکاران، ۱۳۹۷.

۲. از سال ۱۳۷۸.

شغلی ندارند و هیچ ضمانت حقوقی هم برای پرداخت حق بیمه از سوی مرد خانواده وجود ندارد.^۱ ضمن اینکه همان‌طور که اشاره شد، مشکلات اقتصادی منجر به این شده که پرداخت حق بیمه زن از سبد مصرفی خانوار بکاهد و سبد خانواده را روزبه‌روز کوچک‌تر کند. همچنین عدم تناسب سهم بیمه‌شده با وضعیت درآمدی خانوار و بالا بودن سهم بیمه‌شونده نیز منجر به ناتوانی پرداخت حق بیمه توسط بیمه‌شونده شده است.

از موانع جدی اجرای چنین برنامه‌هایی اولویت‌های اجرایی مانند اولویت رسیدگی به اقشار تحت پوشش نهادهای حمایتی، اقشار آسیب‌پذیر، زنان سرپرست خانوار، اقشاری که در فقر مطلق به سر می‌برند، نیازمندان فاقد پوشش نهادهای حمایتی و دهک‌های درآمدی اول است. اولویت پوشش بیمه درمان همگانی و موارد رفاهی از این دست مانع از اختصاص اعتبارات لازم برای بیمه نمودن حدود ۲۱ میلیون زن خانه‌دار می‌شود. علاوه بر این، مقطعی بودن طرح‌ها، عدم استمرار و نداشتن متولی مشخص به این ناهماهنگی‌ها دامن زده است.

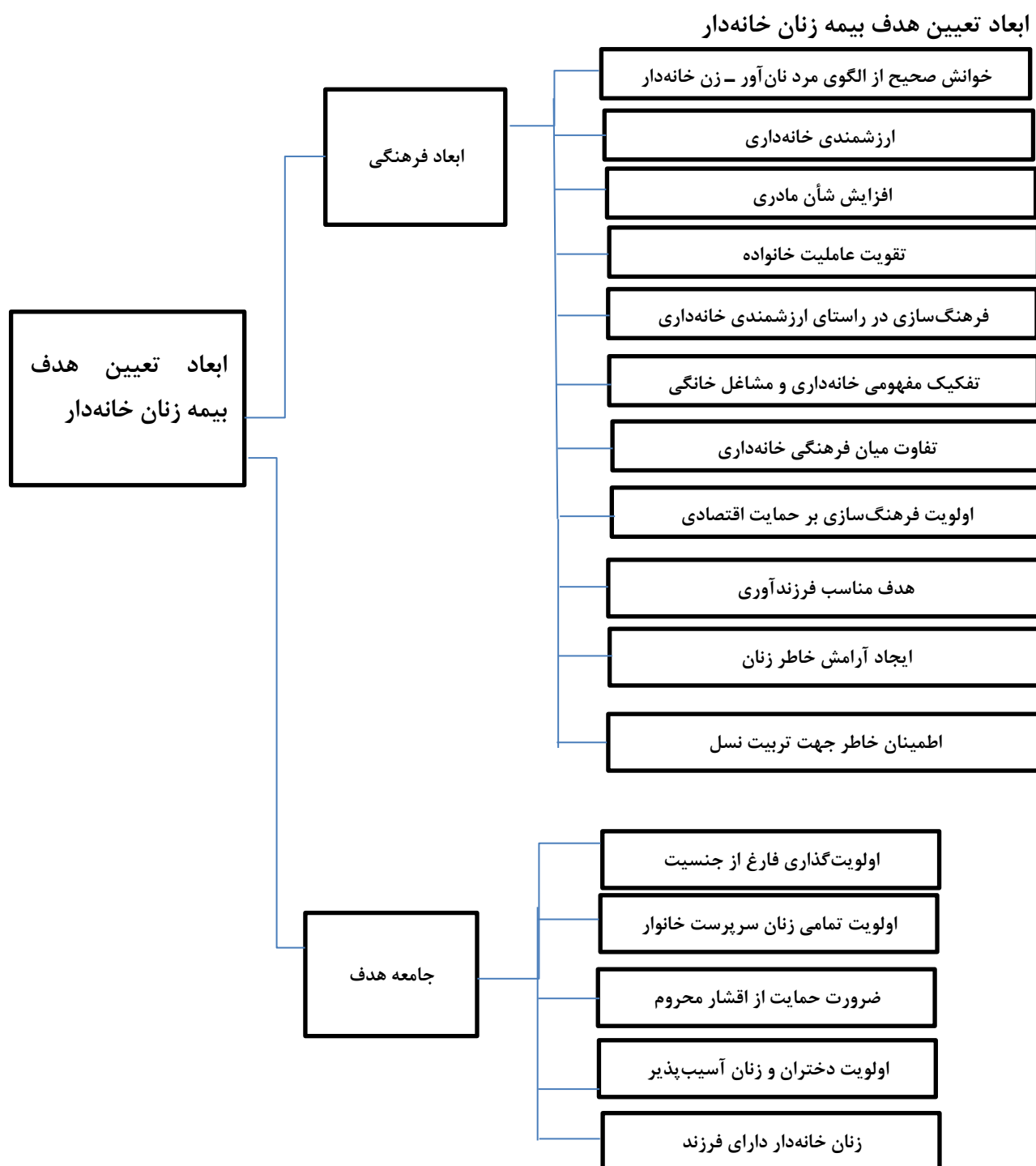
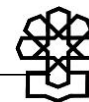
۳-۲. اهداف بیمه زنان خانه‌دار^۲

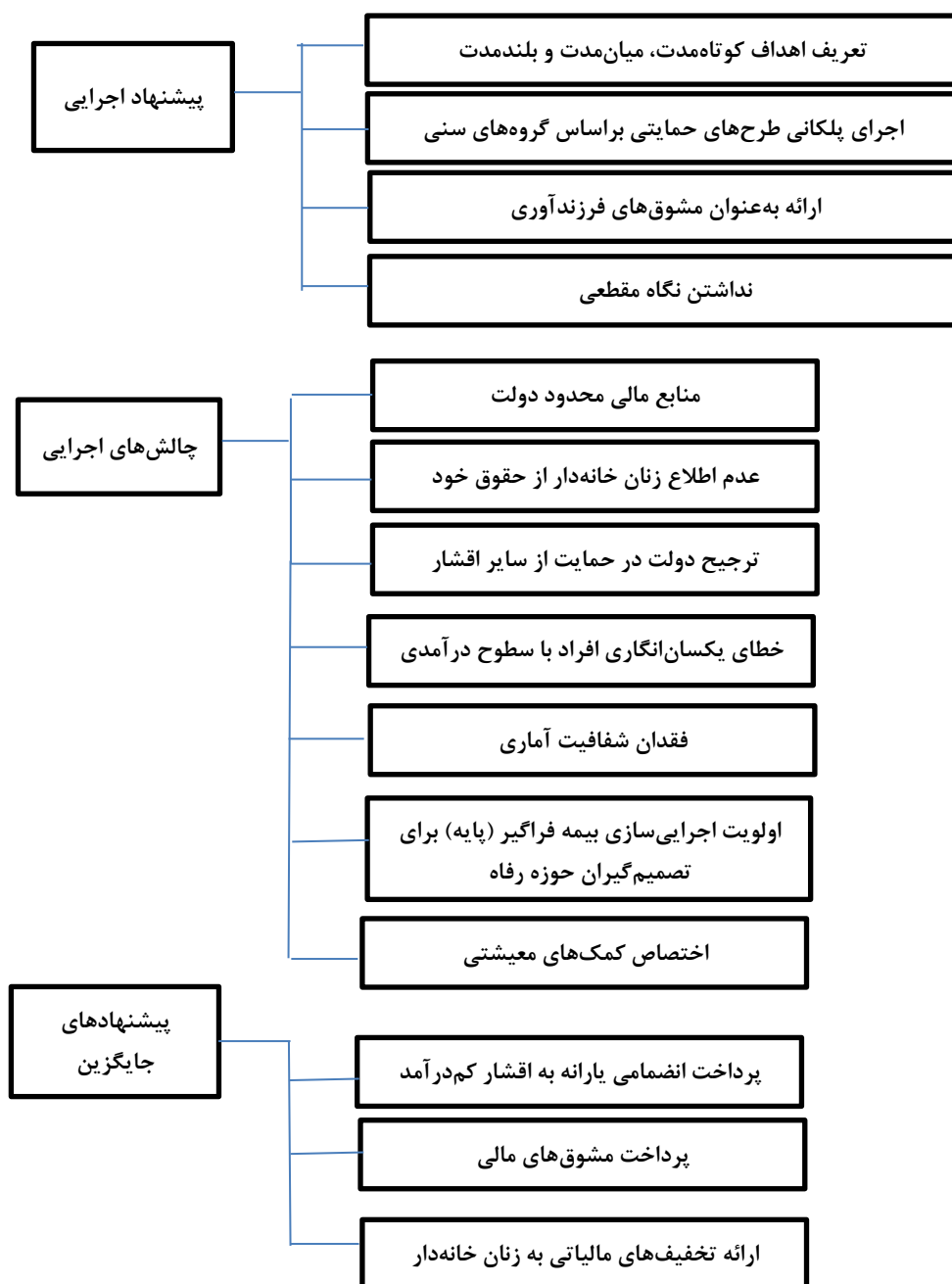
۳-۲-۱. دیدگاه نخبگان در خصوص هدف بیمه زنان خانه‌دار

از تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های موافقان و مخالفان در خصوص بیمه زنان خانه‌دار ناظر به هدف آن، پنج طبقه اصلی و ۳۰ زیرطبقه به دست آمد و دیدگاه‌ها براساس حیطه‌ای که بدان‌ها اشاره داشته‌اند در قالب چند دسته طبقه‌بندی شده‌اند.

در ادامه همین بخش نیز به دیدگاه مخالفان و موافقان اشاره می‌شود:

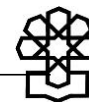
۱. در زمینه ضمانت حقوقی می‌توان نیم نگاهی به احتساب حق بیمه به عنوان نفقه، مهریه یا اجرت‌المثل داشت. اگرچه همین امر نیز با ظرافت‌های خاصی همراه است و در خصوص مسائل مربوط به خانواده نمی‌توان به‌طور یک‌سویه تصمیم گرفت.
۲. مصاحبه با نخبگان.





۲-۳. استدلال مخالفان بیمه‌شدن زنان خانه‌دار

از نظر این گروه، حمایت از مادران، حمایت از فرزندآوری و ارائه مشوق در چنین قالبی بیشتر دارای اهمیت خواهد بود. به عبارت دیگر اگر به لحاظ سیاست‌های جمعیتی یا از هر جهت نظام تشویقی ما توجیه دارد، بایستی حمایت‌ها چنین سمت و سویی پیدا نمایند. این کارشناسان معتقدند توجه به بیمه زنان خانه‌دار بدون توجه به اولویت‌های اساسی کشور خصوصاً در زمینه اشتغال جوانان و حمایت از اقشار محروم جامعه راهگشا نخواهد بود. چالش‌هایی چون تحریم اقتصادی کشور از جمله موانعی هستند که



در دهه هشتاد (هم‌زمان با بیان چنین پیشنهادهایی) با آنها مواجه نبودیم و اکنون دولت حتی در پرداخت یارانه‌ها نیز دچار چالش‌های جدی است.

از نظر این کارشناسان، یکی از ضروریات مهم برنامه‌ریزی اجتماعی توجه به منابع مالی محدود، اولویت‌گذاری و نگرستن به چالش‌ها با توجه به چنین افق دیدی است. اگر دهک‌های پایین درآمدی جهت تأمین نیازهای اساسی خود درمانده‌اند، بایستی ابتدا تدابیری جهت مدیریت معیشت آنان اندیشیده شود، سپس به سایر حمایت‌ها بپردازیم. گروه‌های خاص، اقشار محروم تحت پوشش کمیته امداد و مانند آن در اولویت برنامه‌ریزی رفاهی هستند. اولویت‌های اقتصادی از دیگر چالش‌های جدی چنین طرح‌هایی است. در حال حاضر تعداد کارمندان از تعداد افرادی که مستمری دریافت می‌نمایند کم‌ترند و این قاعده به هم خورده است. امکان مالیات‌گیری از شاغلین محدود بوده و صرف منابع مالی حاصل از فروش نفت در این امور محدودیت‌هایی را به همراه خواهد داشت. زنان سرپرست خانوار، دختران مجرد، زنان تنها و آسیب‌پذیر، سالمندان تنها، افراد از کارافتاده و نیازمند نیز از اولویت‌های بنیادین جهت حمایت هستند و دولت باید پس از رسیدگی به چنین مواردی به حمایت از زنان خانه‌دار بپردازد.

استدلال مخالفان بیمه زنان خانه‌دار
ظاهر حمایتی طرح و در واقعیت فرو کاهش شأن خانه‌داری
ماهیت معنایی متفاوت خانه‌داری در مقایسه با دیگر مشاغل
خلاف مأموریت‌های اصلی دولت
منابع درآمدی محدود
تعارض با اولویت‌های ملی
عدم اولویت زنان دارای مستمری همسر (از کارافتادگی یا فوت)
خلاً مفهوم‌سازی و تولید معنا در زمینه زنان خانه‌دار
اقدام صرفاً کنشگرانه و نداشتن منطق مشخص
فاقد وجه علمی و کارشناسی
ضرورت تقویت عاملیت خانواده
چالش‌های صندوق‌های بازنشستگی به دلیل مشکلات جمعیتی
جایگزین نمودن مشوق‌های فرزندآوری به جای بیمه زنان خانه‌دار
قشری و جنسیتی ندیدن بیمه زنان خانه‌دار

از نظر این عده از کارشناسان، حمایت‌های رفاهی و برنامه‌ریزی‌ها در این حوزه بایستی به‌نحوی مدیریت شود که مسئولیت اجتماعی خانواده‌ها را افزایش دهد و خانواده‌ها به کارگزار دولت تبدیل نشوند و حدود و ثغور دخالت دولت در چنین تصمیماتی نیز روشن شود. اگر دولت بدون مفهوم‌سازی، فرهنگ‌سازی و تولید معنا و صرفاً با پرداخت یارانه بخواهد زمینه‌های حمایت از زنان خانه‌دار را فراهم

نماید، به بیراهه رفته است. نگاه فارغ از جنسیت در این نوع اولویت‌گذاری اهمیت جدی دارد. دولت در این گونه حمایت‌ها بایستی به‌عنوان آخرین حمایت‌گر بوده و نقش تسهیل‌گری داشته باشد.

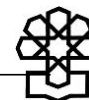
۳-۲-۳. استدلال موافقان بیمه زنان خانه‌دار

به عقیده موافقان این ایده، هدف بیمه زنان خانه‌دار و فلسفه وجودی آن باید ایجاد آرامش خاطر برای مادران خانه‌دار باشد. مادرانی که در حال فرزندآوری و پرورش نسل آینده هستند همواره دغدغه آینده را دارند و چنین حمایتی می‌تواند از نگرانی‌های آنان برای آینده بکاهد. موافقان بر این باورند که حمایت از زنان خانه‌دار بایستی به‌نحو کلی صورت بگیرد و گروه خاصی را شامل نگردد. اگرچه گاهی لازم است یک هزینه - فرصت ساده انجام شود تا مشخص گردد مشوق از کجا به کجا می‌رسد. لزوم شمول هزینه‌های درمان نیز از جمله سایر تأکیدات این گروه است.

زمانی که ایده بیمه زنان خانه‌دار مطرح شد، موافقان، کاهش تب اشتغال زنان و کاهش حس عقب ماندن زنان از شغل و عرصه‌های اقتصادی را به‌عنوان هدف مهم برای مطرح نمودن این ایده بیان داشتند. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا انگیزه‌هایی که زن را برای خروج از خانه و رفتن به عرصه مشارکت اقتصادی اجتماعی سوق می‌دهد چیزی است که با بیمه خانه‌داری می‌توان آنها را مهار نمود؟ به عقیده موافقان این ایده، هدف بیمه زنان خانه‌دار و فلسفه وجودی آن ایجاد آرامش خاطر برای زنان خانه‌دار و مادران خانه‌دار است. مادرانی که در حال فرزندآوری و پرورش نسل آینده هستند همواره دغدغه آینده را دارند و چنین حمایتی می‌تواند از نگرانی‌های آنان برای آینده بکاهد. بایستی حمایت از زنان خانه‌دار به‌نحو کلی صورت گیرد و گروه خاصی را شامل نگردد. لزوم شمول هزینه‌های درمان نیز از سایر تأکیدات این دسته را تشکیل می‌دهد.

در این زمینه دو بحث مطرح می‌شود: اولاً؛ هدف حمایتی که بایستی برای زنان کم‌درآمد و سرپرست خانوار و... پُررنگ‌تر باشد. پس زمانی که هدف حمایت است، می‌توان تدابیری اندیشید که علاوه بر بیمه، یارانه نیز به دهک‌های پایین درآمدی اختصاص یابد. ثانیاً؛ اگر هدف ارائه مشوق مادری و فرزندآوری مطرح باشد، برنامه‌ریزی لازم برای این هدف صورت پذیرد.

استدلال موافقان
ضرورت و اهمیت بیمه زنان خانه‌دار
بیمه و ایجاد اطمینان خاطر در آینده
اولویت زنان خانه‌دار نیازمند و در گروه سنی خاص
اولویت فرزندآوری و حمایت از زنان خانه‌دار در این راستا
ارزشگذاری کار خانگی زنان
ضرورت تفکیک خانه‌داری از مشاغل خانگی
تأکید بر عدم الزام زنان به کار خانگی در پیشنهاد قانونی



اولویت زنان خانه‌دار دارای فرزند
تعریف هدف در راستای سیاست‌های جمعیتی
افزایش شأن مادری
ارائه تخفیف‌های مالیاتی به زنان خانه‌دار
پرداخت انضمامی یارانه به اقشار کم‌درآمد
تفکیک افراد دارای سرپرست بیمه‌پرداز و غیر بیمه‌پرداز
توجه به نیازهای زن مدرن
حمایت از زنان خانه‌دار به‌عنوان مفهوم عرفی پذیرفته شده
حمایت از زنان خانه‌دار در جهت استحکام خانواده

جمع‌بندی

با توجه به تأکید اسناد بالادستی ازجمله قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تضمین حقوق زن در تمامی جهات با رعایت موازین اسلامی، تأکید بر رشد شخصیت و احیای حقوق مادی و معنوی وی و همچنین تصریح اصل (۲۹) قانون اساسی درخصوص همگانی بودن حق برخورداری از تأمین اجتماعی، می‌توان گفت حمایت از افراد در راستای استیفای حقوق ازجمله حق تأمین اجتماعی و تأمین آتیه از ضروریاتی است که به‌نظر می‌رسد.

زنان خانه‌دار حدود ۶۲ درصد از جمعیت زنان کشور را تشکیل می‌دهند و سهم بالای زنان خانه‌دار نسبت به کل جمعیت زنان کشور، لزوم برنامه‌ریزی در این زمینه را دوچندان می‌نماید. بیش از ۸۴ درصد از زنان خانه‌دار کل کشور متأهل و در این میان، حدود ۸ درصد به‌دلیل فوت یا طلاق دارای همسر نیستند. تفکیک زنان خانه‌دار براساس گروه‌های سنی نشان می‌دهد که بیشترین تعداد زنان خانه‌دار شهری و هم روستایی در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال قرار دارند. زنان خانه‌دار شهری بازه سنی ۲۰ تا ۵۴ سال، ۵۶ درصد حداکثر دو فرزند و حدود ۳۹ درصد حداقل سه فرزند دارند. درباره زنان خانه‌دار روستایی در بازه سنی ۲۰ تا ۵۴ سال حدود ۵۹ درصد حداکثر دو فرزند و ۴۱ درصد حداقل سه فرزند دارند. همچنین اگر بخواهیم حمایت از زنان خانه‌دار را با توجه به دهک و تعداد فرزندان آنان اولویت‌بندی نماییم، قطعاً زنان خانه‌دار دارای فرزند بیشتر و در دهک‌های پایین‌تر در اولویت برنامه‌ریزی خواهند بود.

با مقایسه تعداد زنان خانه‌دار در استان‌های کشور مشاهده می‌شود که استان‌های همدان، مرکزی، آذربایجان شرقی، کرمانشاه و مازندران بیشترین تعداد زنان خانه‌دار نسبت به جمعیت کل زنان کشور را در خود جای داده‌اند؛ بنابراین اگر قرار باشد اعتبارات اختصاص یابد، این استان‌ها در اولویت تصمیم‌گیری قرار دارند.

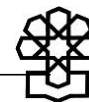
از سویی، قانونگذاری در زمینه امور مربوط به خانواده، زنان و ازجمله زنان خانه‌دار دارای ظرایفی

است که توجه بیشتر برنامه‌ریزان به ابعاد این امر را می‌طلبد. تغییر نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی و نسبت خانواده با نهادهای اجتماعی از قبیل سیاست، اقتصاد و فرهنگ تغییراتی را در نظام خانواده به‌همراه دارد. بر این اساس بررسی نگرش‌سنجی‌ها و رویکرد افراد نسبت به این موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است.

در سال ۱۳۵۳، ۷۴ درصد از مردان متأهل با کار کردن همسر خود مخالف بودند، ولی این نسبت در سال ۱۳۸۳ به ۶۹ درصد کاهش یافت. در پیمایش خانواده سال ۱۳۹۸ این مخالفت به عدد ۲۵ درصد رسیده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در اینجا تغییر نگرشی وسیعی رخ داده و در زمینه کار کردن زن بیرون منزل از سال ۱۳۵۳ تاکنون حدود ۴۹ درصد تغییر نگرشی داشته‌ایم. به‌نظر می‌رسد این تغییر برخاسته از تغییرات و تحولات اقتصادی - فرهنگی در جامعه، تغییرات نگرشی زنان به نقش‌ها و مانند آن باشد. با توجه به کاهش مخالفت در زمینه کار بیرون از منزل، با این حال زنانی که نقش خانه‌داری را انتخاب می‌نمایند به‌لحاظ هزینه فرصت، ممکن است بیشتر از قبل احساس نیاز به حمایت‌های مالی، اقتصادی و تأمین آتیه را در قبال کار نکردن بیرون از منزل احساس کنند. بنابراین بیمه زنان خانه‌دار یکی از تدابیری بوده که در زمینه حمایت اجتماعی رفاهی از این قشر در سال‌های گذشته مورد توجه قرار گرفته است. این نوع بیمه‌گذاری از سال ۱۳۷۸ مطرح شده و در سال‌های گذشته با چالش‌های اساسی در اجرای آن مواجه بوده‌ایم؛ به‌طوری که تا مردادماه ۱۳۹۹ تعداد ۳۲۴.۷۴۹ نفر از زنان خانه‌دار در زمره بیمه‌پردازان قرار گرفته‌اند.

مهم‌ترین چالش‌های اجرایی بیمه زنان خانه‌دار مواردی ازجمله: محدودیت منابع دولت و فقدان اختصاص بودجه و اعتبارات پایدار، عدم اجماع در برنامه‌ریزی و رویه‌ها، تأکید صرف بر مدل بیمه‌ای در حمایت از زنان خانه‌دار طی سال‌های گذشته، اولویت قائل شدن برنامه‌ریزان بر حمایت دولت از سرپرستان خانوار، فاقد درآمد بودن زنان خانه‌دار و مانند آن به‌شمار می‌آیند.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد نقدهای مختلفی که به روند اجرایی شدن بیمه زنان خانه‌دار و حمایت حداکثری دولت در این زمینه صورت می‌گیرد بیشتر ناظر به بار مالی است، بنابراین قانونگذار بایستی به جمع‌بندی‌های کارشناسان و ملاحظات آنان درخصوص بار مالی به‌طور جدی توجه نماید. اولویت‌بندی در اختصاص حمایت از زنان خانه‌دار براساس دهک درآمدی، تعداد فرزندان، بُعد خانوار و... ازجمله اصولی است که می‌تواند حمایت را عملیاتی‌تر و با لحاظ نمودن ملاحظات یادشده مدنظر قرار دهد.



منابع و مأخذ

۱. آبوت، پاملا و والاس، کالر. «جامعه‌شناسی زنان»، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
۲. ارحامی، آسیه. «بررسی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در رابطه با اشتغال زنان و تکریم خانه‌داری»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
۳. بدری‌منش، اعظم و سهیلا صادقی. «مطالعه تفسیری نقش خانه‌داری»، فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۱۰(۳۱)، ۱۳۹۴.
۴. پیمایش ملی تحولات فرهنگی/گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی ایرانیان کل کشور، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳.
۵. پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان/موج دوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، ۱۳۸۲.
۶. پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان/موج سوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی، ۱۳۹۵.
۷. پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان/موج سوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی، ۱۳۹۵.
۸. پیمایش ملی تحولات فرهنگی/گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی ایرانیان کل کشور، ۸۳:۱۶۰.
۹. پیمایش ملی خانواده، ۱۳۹۸.
۱۰. پیمایش ملی خانواده، جهاد دانشگاهی واحد البرز (خوارزمی)، ۱۳۹۸.
۱۱. تاج مزینانی، علی‌اکبر و همکاران. «تحلیل جنسیتی سیاستگذاری اشتغال در ایران پس‌انقلاب». برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۱(۳۸)، ۳۴-۱، ۱۳۹۸.
۱۲. ثمنی، لیلا و همکاران. «تأثیر حمایت قانونی از زنان شاغل در دوره بارداری و شیردهی بر تمایل ایشان به فرزندآوری». پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۳۴، ۱۳۲-۱۱۷، ۱۳۹۹.
۱۳. جزنی، نسرین. «ارزش کار خانگی زنان»، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۳.
۱۴. جمالی، صفیه و حسین زارعی. «رضایت زناشویی در زنان باردار شاغل و غیرشاغل». مندیش، ۴(۷۶)، ۶۴-۵۷، ۱۳۹۲.
۱۵. حاجی‌زاده بنده قرا و همکاران. «تأثیر مثبت توانمندی زنان بر فرزندآوری: تعداد فرزندان بیشتر در زنان شاغل»، مجله زنان مامایی و نازایی، ۱۹(۳۷)، ۶۱-۵۱، ۱۳۹۵.
۱۶. درگاهی و همکاران. «عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر طلاق در ایران با تأکید بر ادوار تجاری، آموزش و اشتغال زنان». فصلنامه اقتصاد و الگوسازی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۷.
۱۷. دلیری، حسن. «تأثیر نااطمینانی شغلی بر تمایل به فرزندآوری در استان‌های ایران». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۸(۴)، ۸۸-۶۵، ۱۳۹۶.
۱۸. رضایی، رسول و همکاران. «طرح بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱.
۱۹. رفاه اجتماعی در قوانین و اسناد بالادستی، سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۶.
۲۰. سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۷.
۲۱. سالنامه آماری، ۱۳۹۷.
۲۲. صادقی فسایی، سهیلا و همکاران. «فهم خانه‌داری در بستر نقش‌های جنسیتی: مطالعه کیفی در شهر تهران»، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۵(۷۳)، ۱-۳۱، ۱۳۹۴.

۲۳. صادقی، رسول. «تحلیل بسترهای اجتماعی فرهنگی کاهش باروری در ایران»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۲۰، ۲۴۶-۲۱۷، ۱۳۹۵.
۲۴. طرح بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار. مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۱.
۲۵. قلمی‌زاده، گلناز و همکاران. «بررسی اجمالی الگوهای اجرایی بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار، معاونت رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی»، ۱۳۹۲.
۲۶. گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران، گزارشی از یک نظرخواهی ملی در سال ۱۳۵۳، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
۲۷. گزارش وضعیت زنان و خانواده در آئینه آمار طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۰. معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری.
۲۸. گزارش وضعیت زنان و خانواده در آئینه آمار طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۰.
۲۹. لهستانی‌زاده، عبدالعلی و افسانه امیدی. «بررسی جایگاه زنان در اقتصاد غیررسمی»، زن در توسعه و سیاست، شماره ۲، ۱۰۸-۸۷، ۱۳۸۰.
۳۰. مشفق، محمود و سارا غریب عشقی. «تحلیلی بر رابطه ارزش فرزندان و باروری بین زنان تهرانی». ۱۵(۵۸)، ۱۲۰-۹۳، ۱۳۹۱.
۳۱. مشفق، محمود و همکاران. «تحلیلی بر رابطه اشتغال و تمایل به فرزندآوری در بین زنان شاغل در آستانه ازدواج در سطح استان‌های کشور». فصلنامه جمعیت، ۲۳ (۹۵ و ۹۶)، ۲۴-۱، ۱۳۹۵.
۳۲. میرجلیلی، فاطمه. «نقش زنان خانه‌دار در اقتصاد و تولید ناخالص داخلی کشور»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.
۳۳. میرزایی، محمد و مهری شمس قهفرخی. «اهمیت ویژگی‌های شغلی زنان بر احتمال باروری طی دوره پنج‌ساله ۱۳۹۳-۱۳۸۹». ۹(۱۷)، ۱۳۹-۱۱۳، ۱۳۹۳.
۳۴. نیازی، محسن و دیگران. «فرا تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری در ایران». فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۷ (۲۹)، ۱۱۸-۶۹، ۱۳۹۵.
۳۵. وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران، دانشگاه تهران، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۴.

36. tamin.ir

37. amamr.org

38. women.gov.ir

39. <https://www.cleiss.fr>

40. Complexity. The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science, 654(1), 12-30.